

عملیات محرم دوم در حال تکوین

فرماندهان سپاه تهدید می‌کنند

شورای نگهبان در تدارک خستی کردن مجلس ششم

● دور دوم انتخابات در موعد مقرر برگزار نمی‌شود

● استاندار تهران: شورای نگهبان آرای صندوق تهران را بازشماری می‌کند.

● مردم دماوند: انتخابات اگر هزار بار تکرار شود باز هم دوم خرداد را انتخاب می‌کنیم

بازشماری‌های مکرر هنوز نپذیرفته و هم چنان به دنبال مستمسکی می‌گردد تا با توسل به آن آرای تهران را باطل کند. ادامه در صفحه ۳

شمارش آرای برخی از حوزه‌ها به نفع کاندیدای جناح راست تغییر کرده است. شورای نگهبان نتایج شمارش آرای تهران را بعد از گذشت دوماه از انتخابات و

نیروهای جبهه دشمنان آزادی و اصلاحات این روزها در حال اجرای ضد حمله‌ای هستند که در پی شکست انتخابات ۲۹ بهمن طراحی کرده‌اند. مجلس ششم از یک سفر، روزنامه‌نگاران و مطبوعات از سوی دیگر هدف

عاملان ترور حجاریان

با دفتر خامنه‌ای ارتباط دارند

بر خلاف پزشکان معالج حجاریان که توانستند با تلاش شبانه‌روزی و بکارگیری همه امکانات درمانی وی را از خطر مرگ نجات دهند، کسانی که پرونده ترور حجاریان را در اختیار دارند همه تلاش خود را تاکنون صرف آن کرده‌اند که این پرونده را از بخش عادی و نگاه مردم خارج سازند و به تاریخخانه اشباح و بخش ویژه

پزشکانی که معالجه حجاریان را بر عهده گرفته‌اند این خبر امیدوارکننده را به خبرنگاران داده‌اند که وی به زودی قادر خواهد بود با اطرافیان خود گفتگو کند. با کمک پزشکان حال حجاریان رو به بهبودی است و هفته گذشته وی برای مدتی بخش مراقبت‌های ویژه را ترک کرد و توانست روی صندلی چرخدار ساعتی را در بخش عادی بیمارستان سینا بگذراند.

ایرانی اهل خشونت نیستند اما آنجا که قانون از آنها اعمال خشونت را بخواهد، دریغ نخواهند کرد.

خامنهای هم چنین به صدور حکم قتل برخی از افراد از سوی پیغمبر اسلام و حکم ارتداد سلمان رشدی توسط خمینی اشاره کرد و از ابراز علنی چنین احکامی توسط آنان تجلیل کرد. او در ادامه خود را نیز خلف پیامبر اسلام و حسینی دانست و گفت: «امروز هم رهبری اگر طبق احکام اسلام یک جا تکلیفش اقتضا کند، علنی این موضوع را خواهد گفت.»

اما اگر متن کامل سخنان اخیر وی را با متن سخنان مشابه کسانی چون مصباح یزدی، جنتی، خزعلی و امثال آن‌ها مقایسه کنیم، به سختی می‌توان تفاوتی مضمونی میان آنان پیدا کرد.

خامنهای گفت که «اسلام خشونت را اصل قرار ندهد اما در موارد قانونی، اعمال خشونت را نفی نکرده است.» وی با تقسیم خشونت به دو صورت قانونی و غیرقانونی، نوع قانونی را «نه فقط خوب بلکه لازم» و نوع غیرقانونی را «نه تنها بد بلکه جنایت» نامید. او در ادامه اظهار داشت که «جوانان، مؤمنین و مستدینین

قرار گرفته‌اند. سپاه در بیانیه خود از خواصی سخن می‌گوید که در حوادث تلخ و عبرت‌انگیز تاریخ، انگشت اتهام متوجه آنهاست. در بخش دیگری از بیانیه، به روزنامه‌ها و مطبوعات جنبش اصلاح طلبی با چنین لحنی حمله شده است: چرا پاسدارکشی و بسیجی زدایی ابتدا در سخنان

است: آنگاه که زمانش فرا رسد، دشمنان ریز و درشت صدای پتک را در فضای مجمه خود چنان حس خواهند کرد که برای همیشه از توطئه و خیانت بازمانند. در بیانیه سپاه پاسداران، اصلاح طلبان حکومتی برای اولین بار آشکارا مورد تهدید

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یک روز پس از سخنانی خامنه‌ای در نماز جمعه تهران، هم زمان با عاشورا، در بیانیه‌ای شدیداللحن جنبش اصلاح طلبی را مورد حمله قرار داد و از واکنش کوبنده در صورت ضرورت خبر داد. در بیانیه سپاه پاسداران آمده

تجلیل خامنه‌ای از خشونت «قانونی»

ترور حجاریان، در و دیوار شهرها از شعارهای ضد خشونت پر شده است و همه شعار زندگی سومی دهند. اما در این اوضاع و احوال، خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی سرعت حرکت کشتی خود برخلاف جریان آب را افزایش داده و ظاهراً می‌خواهد در این مسیر از مصباح یزدی هم عقب نماند.

روز یکشنبه‌ی این هفته روزنامه‌های دوم خردادی با تیر کردن بخش‌های قابل قبولی از سخنان وی کوشش کردند از قبح سخنان او بکاهند و «فرمایشات» مقام «معظم» رهبری را حافظ وحدت و امنیت ملی تلقی کنند.

چندی پیش نشریات وابسته به جریان دوم خرداد خوشنودی نسبی خود را از این‌که بالاخره مصباح یزدی حداقل در سخنان علنی‌اش پذیرفته است که اعمال خشونت «مؤمنان» باید به دستور حکومت باشد و نه «سرخود»، ابراز کردند. آنان با در نظر گرفتن این نکته در کنار چند موضوع ریز و درشت دیگر شرایط را برای تشکیل یک «جبهه‌ی ضد خشونت» فراهم دیده، خواهان تشکیل آن در آینده نزدیک شدند. شرایط در کشور نیز در ارتباط با موضوع خشونت تغییر محسوسی کرده است و به‌ویژه به دنبال

مجمع تشخیص مصلحت

در برابر رأی مردم

مجمع تشخیص مصلحت که تصویب کرد مجلس حق تحقیق و تفحص در امور نهادهای زیر نظر رهبری جمهوری اسلامی را ندارد. طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی، این نهادها عبارتند از: نیروهای نظامی و انتظامی - شورای نگهبان

مجمع تشخیص مصلحت که تصویب کرد مجلس حق تحقیق و تفحص در امور نهادهای زیر نظر رهبری جمهوری اسلامی را ندارد. طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی، این نهادها عبارتند از: نیروهای نظامی و انتظامی - شورای نگهبان

در این شماره

مصاحبه با خانم مهرانگیر گار

در صفحه ۷

برای منطبق ساختن قوانین با اصول حقوق بشر و دموکراسی

ف. تابان

در صفحه ۸

التزام چیست؟

در توضیح فعالیت قانونی

رضا جوشنی

در صفحه ۹

خط مشی‌های اساسی چپ نو در توسعه

دکتر فریبرز رئیس‌دانا

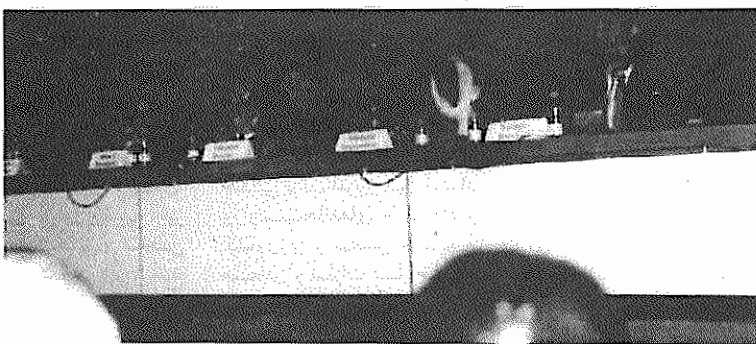
در صفحه ۱۰

مصاحبه با بابک امیر خسروی

در صفحه ۱۱

کنفرانس برلین:

ایران پس از انتخابات



دکتر رئیس‌دانا، خانم مقدم، آقای فراگنر، آقای بودنبرگ، رابینسون، آقای علوی تبار شرکت‌کنندگان در یکی از سیمینارهای کنفرانس برلین.

گزارش و بخش‌هایی از سخنرانی‌های ایراد شده در این کنفرانس را در صفحات ۵-۶-۷ می‌خوانید.

به حکم قاضی ویژه پرونده ترور حجاریان

احمد حکیمی پور عضو شورای شهر تهران

بازداشت شد

کسی به وسط کشیده شود؟ برخی احتمالات نشانه آن است که پای نهضت آزادی ایران و «جریان سوم» را نیز پا قوت بیشتری به میان خواهند آورد.

آگاهان سیاسی در ایران معتقدند اصرار دادگستری و قوه قضاییه برای اینکه پرونده این ترور را از دست وزارت کوشیدند پای احمد حکیمی پور را در رابطه با این پرونده به میان بکشند.

مقامات دستگیرکننده حکیمی پور تا امروز هیچ‌گونه توضیحی در مورد علت بازداشت او در اختیار افکار عمومی قرار ندادند. اکنون پرسش این است که بعد از حکیمی پور قرار است پای چه

روز جمعه گذشته ماموران دادگستری تهران احمد حکیمی پور عضو شورای شهر تهران را به حکم رازقندی، قاضی ویژه پرونده ترور حجاریان بازداشت کردند.

از بعد از ظهر دیروز که وی توسط ماموران دادگستری تهران بازداشت شد، تاکنون خبری از او به خانواده‌اش نیز داده نشده است. روزنامه‌های جناح محافظه کار با تبلیغات و

روز جمعه گذشته ماموران دادگستری تهران احمد حکیمی پور عضو شورای شهر تهران را به حکم رازقندی، قاضی ویژه پرونده ترور حجاریان بازداشت کردند.

از بعد از ظهر دیروز که وی توسط ماموران دادگستری تهران بازداشت شد، تاکنون خبری از او به خانواده‌اش نیز داده نشده است. روزنامه‌های جناح محافظه کار با تبلیغات و

بدون برنامه و نقشه نمی‌توان

تهاجم مخالفین رابه شکست‌کشاند

حدود یک ماه و نیم دیگر ششمین دوره مجلس شورای اسلامی گشایش می‌یابد. اما هرچه به روز گشایش مجلس نزدیک‌تر می‌شویم بر التهابات و بحران‌سازی‌ها در جامعه افزوده می‌شود. انتقال قوه مقننه از اقتدارگرایان و خشونت‌طلبان به اصلاح‌گران حکومتی با کارشکنی‌های جدی روبرو است. آنها به سادگی حاضر به پذیرش شکست خود و پیروزی رقیب‌اشان نیستند.

مخالفین اصلاحات بعد از انتخابات برنامه و نقشه تقابل با اصلاح طلبان را طراحی کردند و دست به اقدام زدند. ترور سعید حجاریان، نخستین قدم آنها بود. اقدامات سازمان یافته بعدی نشان می‌دهد که برنامه و نقشه‌ای که به اجرا گذاشته می‌شود، از یک فرماندهی واحد هدایت می‌شود. این فرماندهی به تهاجم وسیع در حوزه‌های مختلف دست زده است و در کوتاه مدت اقدامات زیادی سازمان داده است که می‌توان به چند مورد برجسته آن اشاره کرد:

- این فرماندهی برخلاف قتل‌های زنجیره‌ای، بلافاصله آمرین قتل‌ها را از صحنه خارج کرد، عده‌ای از مجریان آن را دستگیر و پرونده را از دست وزارت اطلاعات خارج کرد و به قوه قضاییه سپرد. مخالفین اصلاحات از ابتدا همانند قتل‌ها و ترورهای قبلی، این ذهنیت را در جامعه تبلیغ کردند که ترور حجاریان تسویه حساب درونی است و انگشت اتهام را به سوی دوم خردادی‌ها دراز کردند، که سرانجام با دستگیری احمد حکیمی پور عضو شورای شهر تهران و از چهره‌های جبهه مشارکت اسلامی، نقشه خود را عمل نمودند.

- هجوم وسیعی را به مطبوعات منتقد و مستقل شروع کردند. شمس‌الواعظین به مدت دو سال و نیم روانه زندان شد، برای عمادالدین باقی پرونده سنگین درست کردند. شاکیان حرفه‌ای را مجدداً به جان مطبوعات انداختند و شکایت‌های متعددی از روزنامه‌های مشارکت، فتح، بیان، صبح امروز و... به دادگاه مطبوعات تسلیم کردند.

- مجلس شورا بار دیگر لایحه «ضد مطبوعات» را به مجلس آورد تا به زور اکثریت موجود آن را به تصویب رساند تا با تمسک به آن، مطبوعات مستقل و منتقد تحت فشار بیشتری قرار گیرند.

- مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و نظارت بر نهادها و ارگان‌های وابسته به ولی فقیه را از اختیارات مجلس شورای اسلامی خارج کرد تا مجلس ششم نتواند در آنها دخالت کند.

- شورای نگهبان نتایج انتخابات چندین شهر را باطل کرد تا حتی‌المقدور ترکیب مجلس آتی را به زیان اصلاح طلبان حکومتی تغییر دهد

ادامه در صفحه ۲

تدارک جبهه‌ی مشارکت برای هدایت مجلس ششم

روز جمعه دو هفته پیش (۱۹ فروردین ماه) جبهه مشارکت با برگزاری دومین اجلاس فراکسیون نمایندگان منتخب خود در مجلس ششم، گام بزرگی در سازماندهی نیروهای خود برداشت. اجلاس مزبور یک روز، ولی ظاهراً با تدارک کافی بوده است. جبهه مشارکت روشن نکرده است که از چه نمایندگانی برای شرکت در اجلاس دعوت کرده است و چه کسانی به آن پاسخ مثبت داده‌اند. اما صدور بیانیه‌ای با محتوایی که کاملاً با مواضع جبهه مشارکت تطابق دارد همراه با امضای ۱۴۰ نفر از مستنخبان دور اول و یاسا کاندیداهای دور دوم مجلس ششم نشان دهنده آمادگی تعداد کثیری از نمایندگان مجلس برای عضویت در فراکسیون جبهه مشارکت است. نام بیش از نیمی از نمایندگان راه یافته به مجلس از تهران در لیست امضاءکنندگان بیانیه مزبور دیده می‌شود و حضور احمد بورقانی، الهه کولانی، علی رضا نوری،

محمدرضا خاتمی و محسن آرمین، خلاء نبودن نام جمیله کدیور، بهزاد نبوی، کروی، مجید انصاری و امثال آنان را به خوبی پر کرده است. در حاشیه این اجلاس جلسات کمیسیون‌های این فراکسیون نیز که می‌توانند هسته کمیسیون‌های هم‌نام یا هم‌هدف در مجلس ششم باشند، برگزار گردید که شامل کمیسیون سیاسی، با سه کمیسیون فرعی سیاست خارجی، امنیتی - نظامی و شوراهای امور داخلی و کمیسیون اجتماعی با سه کمیسیون فرعی قضایی، بهداشت و درمان و کار و تأمین اجتماعی می‌باشد. بر مبنای تقسیم کار صورت گرفته، اعضای کمیسیون‌های نام برده نیز تعیین شدند. به این ترتیب فراکسیون جبهه مشارکت نشان داد که برای هدایت مجلس ششم بیشترین تدارکات را انجام داده و از آمادگی خوبی برخوردار است. سعید حجازیان در نخستین اجلاس از کاندیداهای جبهه

مشارکت ابراز امیدواری کرده بود که فراکسیون جبهه مشارکت دارای مرکز ثقلی از ۴۰ درصد نمایندگان مجلس باشد که با حمایت نیروهای نزدیک به جبهه بتواند طرح‌های خود را به تصویب ۷۰ درصد نمایندگان مجلس برساند. تشکیل دومین اجلاس فراکسیون جبهه مشارکت نشان داد که وی می‌تواند امیدوار باشد که به آرزوی خود برسد.

تدارکات فراکسیون‌های احتمالی دیگر در مجلس ششم تاکنون متناسب با فراکسیون جبهه مشارکت نبوده است. دور از ذهن نیست که نیروهای محافظه کار مجلس تحت نام

چکاد آزاداندیشان یا هر نام دیگر فراکسیونی را تشکیل دهند. کارگزاران سازندگی نیز اگر بتوانند بختک هاشمی رفسنجانی را از روی سینه خود بپوشانند، شاید بتوانند در مجلس فراکسیون مطرحی را ایجاد کنند. بعید بنظر می‌رسد که خط امامی‌هایی چون بهزاد نبوی و کروی اگر نتوانند سیادت خود را بر مجلس به عنوان افرادی فرای جناح دوم خرداد تأمین کنند، از تشکیل فراکسیونی از نمایندگان هم‌نظر خود چشم‌پوشند. این امید که نیروهای ملی و مذهبی واقعاً مستقل بتوانند در حد

کابینه بعدی باید

به اصلاحات بنیادین پردازد

یکی از مهم‌ترین مباحثی که با پایان مرحله نخست انتخابات مجلس ششم در کشور در سطح وسیعی طرح گردیده است، بحث تغییر کابینه به دنبال تشکیل مجلس است. با برخاستن اولین زمره‌ها در این مورد ابسطی رئیس دفتر خاتمی در واکنش زود هنگام به زعم خود کوشید آبی بر آتش بریزد و از این رو از عدم عزم خاتمی برای تغییر دولت سخن گفت. اما این آب نبود و نفتی بود که بر آتش ریخته شد. پس از آن، بحث مربوطه دامنه و گسترش بیشتری یافته است و طیف وسیعی از نیروهای حکومت و پیرامون آن از اندیشمندان مستقل گرفته تا سیاستمداران جبهه دوم خرداد و

حتی روزنامه‌نگاران چون ابرار و انتخاب از لزوم تغییر دولت سخن گفتند. فصل مشترک اظهارات ایشان، این است که حداقل به چهار دلیل تغییر دولت اجتناب‌ناپذیر می‌نمایند.

۱- لزوم تجانس مجلس و دولت: در نتیجه انتخابات ۲۹ بهمن، ترکیب مجلس ششم نسبت به پنجم اساساً تغییر کرده است. خاتمی هنگام تشکیل کابینه خود در سه سال پیش خود را ملزم به رعایت ملاحظاتی می‌دید به گونه‌ای که وزیران پیشنهادی اش از همان ابتدا از مجلس رأی اعتماد بگیرند. پس از تشکیل مجلس ششم گرچه او کماکان در مجموع از جانب نیروهای راست تحت فشار خواهد ماند، اما نیروهای راست مجلس نمی‌توانند خطری از این نظر برایش ایجاد کنند.

۲- تغییر ساختار دولت: در هنگام تشکیل نخستین کابینه خاتمی نیز از لزوم تغییر ساختار دولت سخن به میان می‌رفت. اما خاتمی موفق نشد که در این راستا دست به تغییرات چندانی بزند. امروز نیز ادغام وزارتخانه‌های جهاد و کشاورزی و همچنین صنایع و معادن و فیلزات مطرح است. سازمان‌های برنامه و بودجه و امور اداری و استخدای نیز در حال که در انتخابات، شکستی بدان منفذی خوردند، از اختیارات مجلس می‌کاهند. این نمی‌تواند عمل کرد. اصلاح‌طلبان باید در برابر این یورش و قبحانه به حقوق مردم، بر غیرقانونی و کان لم یکن بودن این مصوبه تأکید کنند. به موجب اصل ۷۶ قانون اساسی، این مصوبه اعتباری ندارد. رئیس جمهور بر اساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی، مسئولیت اجرای قانون اساسی را بر عهده دارد. آقای خاتمی می‌تواند و باید کوی دانشگاه، ترور حجازیان، دزدی‌ها در بنیاد مستضعفان، دروغ‌پراکنی و تحریک توسط رادیو و تلویزیون و روزنامه‌هایی نظیر کیهان، تحریک به ترور و کشتار از سوی مصباح یزدی در خطبه‌های پیش از نماز جمعه تهران و ابطال غیرقانونی انتخابات برخی از

توسط خامنه‌ای به خاتمی تحمیل شده‌اند، مورد انتقاد جدی قرار گرفته است. مرتضی حاجی وزیر تعاون گفته است که هر کدام از وزرای فعلی در ابتدای تشکیل کابینه برنامه اجرایی خود را پیشنهاد داده بودند. به تعبیر حاجی، میزان تطبیق عملکرد وزرا با برنامه‌های پیشنهادی‌شان و میزان تحقق برنامه‌هایشان ملاک خوبی برای تصمیم‌گیری خاتمی خواهد بود.

تجلیل خامنه‌ای از خشونت «قانونی»

ادامه از صفحه اول
البته هم عموم مردم و هم اندیشمندان جریان دوم خرداد به نظر می‌دانند که خامنه‌ای در یک این ظریف تو خالی بیش نیست و او هم چون رفسنجانی بی‌گدار به آب نمی‌زند و فتوای قتل آزادگانی که در سال‌های اخیر ترور شدند، «درگوشی» توسط او و امثال او به «سربازان گمنام امام زمان» ابلاغ شده است. ولی در حال باید با ابراز سخنانی از این دست که مصداق بارز ترویج خشونت در جامعه است، برخوردی قاطعانه داشت. در دنیایی که جامعه‌شناسان و سیاستمداران در کشورهایی که نظامی متعارف و مردمی دارند با کاربست شیوه‌های علمی می‌کوشند خشونت را به حداقل برسانند و مجازات قتل و اعدام را هر چه زودتر ریشه کن سازند، ابراز چنین سخنانی از جانب

یکی سبب نیست که به فاصله‌ی یک روز از ایراد چنین «افساضاتی»، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با صدور بیانیه‌ی ضمن دشمن و عامل پیگانه نامیدن اصلاح‌طلبان رادیکال و نیروهای لائیک اعلام کرده است که آنگاه که زمانش فرارسد، دشمنان ریز و درشت صدای پتک انقلاب را در فضای مجمه خود چنان حس خواهند کرد که برای همیشه از توطئه و خیانت باز مانند» و «جوانانی که شبه نظامی‌شان می‌خوانید... با

مجمع تشخیص...
ادامه از صفحه اول
بدین ترتیب، مجمع تشخیص مصلحت با مصوبه اخیر خود، برخی از مهم‌ترین نهادها را از پاسخگویی در برابر نمایندگان مردم معاف می‌کند. مصوبه اخیر، نقض صریح اصل هفتاد و ششم قانون اساسی است که مقرر می‌دارد: «مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد». انگیزه مجمع تشخیص مصلحت در تصویب این محدودیت برای اختیارات مجلس، روشن است. تا وقتی اکثریت مجلس در دست نیروهای ضداصلاحات و مرتجع است، محافظه کاران و اهم‌های از این ندارند که عملکرد ارگان‌های تحت تسلط آنان مورد بررسی نمایندگان مردم قرار گیرد. اما در مجلس ششم، اکثریت با اصلاح‌طلبان است و از نظر جناح مسلط حکومت، بیم آن می‌رود که اصلاح‌طلبان با استفاده از این اکثریت، با تحقیق و تفحص دربارده عملکرد برخی از سبب‌سخت‌ترین دژهای

بدون برنامه و نقشه نمی‌توان
تهاجم مخالفین را به...

ادامه از صفحه اول
موارد بالا بخشی از اقدامات سازمان یافته‌ای است که بعد از برگزاری انتخابات تاکنون صورت گرفته است. این موضوع نشان‌دهنده آن است که بازندگان استراتژیک تحولات اجتماعی، سرسختانه در مقابل اصلاحات سیاسی و فرهنگی مقاومت می‌کنند و حاضر نیستند که به شکست خود تن بدهند. آنها با اقدامات اخیرشان توانسته‌اند ابتکار عمل را به دست بگیرند و اصلاح‌طلبان را در موضع تدافعی قرار دهند. برخی خبرهایی که در مطبوعات انتشار می‌یابد، نشان از اقدامات حادثری را دارد. اقداماتی که انتقال مجلس شورای اسلامی به اصلاح‌طلبان حکومتی را با شکست جدی روبرو می‌سازد. اوضاع سیاسی کشور، تهاجمات سازمان یافته شکست‌خوردگان انتخابات و موضع انفعالی اصلاح‌طلبان حکومتی نگرانی مدافعین اصلاحات سیاسی و فرهنگی را در کشور فراهم آورده است. به شکست کشاندن تهاجمات مخالفین اصلاحات و فراهم آوردن شرایط مساعد برای تشکیل دوره ششم مجلس شورای اسلامی، نیازمند اقدامات قاطعانه‌ای است. اصلاح‌طلبان حکومتی و به ویژه خاتمی، باید حقایق مربوط به توطئه‌های متعدد اقتدارگرایان و خشونت‌طلبان را با مردم در میان بگذارند، ضرابان، سازمان‌گرا و فتوادهندگان ترور حجازیان را به مردم معرفی کنند، در تشکیل کمیته حقیقت‌یاب قتل‌های زنجیره‌ای تسهیل نشان دهند، با آستراکسیون راه تصویب لایحه «ضدمطبوعات» را ببندند. باند مافیای قدرت و ثروت را افشا کنند، مردم را به حمایت از اقدامات خود فرا خوانند. بدون اتخاذ مواضع روشن و شفاف، بدون اقدامات سازمان یافته و با برنامه، نمی‌توان تهاجم مخالفین اصلاحات را شکست کشاند. نباید اجازه داد پرونده ترور حجازیان لوٹ و مختمه اعلام شود. رئیس‌جمهور از نقش کسانی نظیر سرلشکر ذوالقدر فرمانده کل سپاه پاسداران و فرمانده گارد حفاظت از کاخ ریاست جمهوری، در ترور حجازیان و فعالیت وی در شبکه ترور آگاه است. خواست نیروهای آزادی‌خواه و اصلاح‌طلب آن است که آقای خاتمی زبان بگشاید و آمران و فتوادهندگان ترور را با نام به مردم معرفی کند.

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در مقابل اقدامات کودتایی

هشیار باشیم!

سپاه پاسداران به مناسبت روز عاشورا، بیانیه تهدیدآمیزی را علیه اصلاح‌طلبان و اصلاحات در کشور صادر کرده و گفته است: «آنگاه که زمانش فرا رسد، دشمنان ریز و درشت، صدای پتک را در فضای مجمه خود چنان حس خواهند کرد که برای همیشه از توطئه و خیانت بازمانند».

بیانیه تهدیدآمیز سپاه پاسداران به دنبال سخنان خامنه‌ای مبنی بر صدور مجوز خشونت تحت لوای قانون، انتشار یافته است و اظهار شده است که اگر ولی فقیه اشاره کند همان جوانانی که ۲۲ تیر ۷۸ آفریدند: «وقتی لبخند و مدارا به سر رسد و قانون خشونت انقلابی و غلظت اسلامی برای پاسداری از حق و عدالت، اما بی هیچ محافظه کاری، با سرعتی که تصور نمی‌توانید بکنید به دست آنان اجرا در خواهد آمد و آنگاه برای درس گرفتن بسی دیر خواهد بود». این بیانیه دخالت آشکار سپاه پاسداران در حیات سیاسی کشور، موضع‌گیری به سود اقتدارگرایان و خشونت‌طلبان و علیه اصلاح‌طلبان و آزادی‌خواهان کشور و مشخصاً شخص رئیس‌جمهور است. در این بیانیه تهدیدهایی را که فرمانده سپاه پاسداران در سال قبل به زبان رانده بود، بطور رسمی و با امضای سپاه پاسداران بیان شده است. صدور مجوز «خشونت قانونی» توسط خامنه‌ای و اعلامیه تهدیدآمیز سپاه پاسداران از یک سو و از سوی دیگر ترور حجازیان، تصویب قانون ضد مطبوعات توسط مجلس شورا، به دادگاه کشاندن روزنامه‌نگاران و نویسندگان و به زندان افکندن آنها، ابطال انتخابات چندین شهر توسط شورای نگهبان، نشان هجوم وسیع و سازمان یافته مخالفین اصلاحات است که با ایجاد جو رعب و ترس و با بگیر و بسند می‌خواهند روند اصلاحات را متوقف سازند. در انتقال مجلس شورا به اصلاح‌طلبان حکومتی اختلال ایجاد کنند و اگر اوضاع سیاسی کشور را مناسب دیدند به اقدامات حادث از جمله به دستگیری وسیع نیروهای اصلاح‌طلب و تعطیلی روزنامه‌های مستقل و منتقد دست یابند. آنها عمادانه فضای کودتایی را در کشور می‌آفرینند.

نیروهای آزادی‌خواه و اصلاح‌طلب کشور!
راه شکستن هجوم گسترده مخالفین اصلاحات، ایستادگی و افشا نقشه‌ها و توطئه‌های اقتدارگرایان و خشونت‌طلبان است. لازم است حقایق مربوط به لاپوشانی قتل‌های زنجیره‌ای و ترور حجازیان را با مردم در میان گذاشت، سازمان‌گرا و آمرین قتل‌ها را به مردم معرفی کرد، در تشکیل کمیته حقیقت‌یاب تسریع نمود، باند مافیای را وسیعاً افشا کرد، خطر اقدامات حاد و کودتایی مخالفین اصلاحات را برای مردم بازگو کرد، هوشیاری را در بین مردم نسبت به رویدادها افزایش داد، از بدنه سپاه خواست که با فرماندهان سپاه در تهدید نیروهای اصلاح‌طلب و اقدامات حاد همراهی نشان ندهند و با اشکال مختلف ناراضی خود را از صدور بیانیه و دخالت فرماندهان در حیات سیاسی کشور آشکار سازند. روزهای حساسی در پیش است، لازم است اوضاع سیاسی کشور را با دقت پی‌گیری کرد و در مقابل حرکات مخالفین اصلاحات شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هشیار بود.
شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۳۱ فروردین ۱۳۷۹

بدون برنامه و نقشه نمی‌توان

تهاجم مخالفین را به...

ادامه از صفحه اول
موارد بالا بخشی از اقدامات سازمان یافته‌ای است که بعد از برگزاری انتخابات تاکنون صورت گرفته است. این موضوع نشان‌دهنده آن است که بازندگان استراتژیک تحولات اجتماعی، سرسختانه در مقابل اصلاحات سیاسی و فرهنگی مقاومت می‌کنند و حاضر نیستند که به شکست خود تن بدهند. آنها با اقدامات اخیرشان توانسته‌اند ابتکار عمل را به دست بگیرند و اصلاح‌طلبان را در موضع تدافعی قرار دهند. برخی خبرهایی که در مطبوعات انتشار می‌یابد، نشان از اقدامات حادثری را دارد. اقداماتی که انتقال مجلس شورای اسلامی به اصلاح‌طلبان حکومتی را با شکست جدی روبرو می‌سازد. اوضاع سیاسی کشور، تهاجمات سازمان یافته شکست‌خوردگان انتخابات و موضع انفعالی اصلاح‌طلبان حکومتی نگرانی مدافعین اصلاحات سیاسی و فرهنگی را در کشور فراهم آورده است. به شکست کشاندن تهاجمات مخالفین اصلاحات و فراهم آوردن شرایط مساعد برای تشکیل دوره ششم مجلس شورای اسلامی، نیازمند اقدامات قاطعانه‌ای است. اصلاح‌طلبان حکومتی و به ویژه خاتمی، باید حقایق مربوط به توطئه‌های متعدد اقتدارگرایان و خشونت‌طلبان را با مردم در میان بگذارند، ضرابان، سازمان‌گرا و فتوادهندگان ترور حجازیان را به مردم معرفی کنند، در تشکیل کمیته حقیقت‌یاب قتل‌های زنجیره‌ای تسهیل نشان دهند، با آستراکسیون راه تصویب لایحه «ضدمطبوعات» را ببندند. باند مافیای قدرت و ثروت را افشا کنند، مردم را به حمایت از اقدامات خود فرا خوانند. بدون اتخاذ مواضع روشن و شفاف، بدون اقدامات سازمان یافته و با برنامه، نمی‌توان تهاجم مخالفین اصلاحات را شکست کشاند. نباید اجازه داد پرونده ترور حجازیان لوٹ و مختمه اعلام شود. رئیس‌جمهور از نقش کسانی نظیر سرلشکر ذوالقدر فرمانده کل سپاه پاسداران و فرمانده گارد حفاظت از کاخ ریاست جمهوری، در ترور حجازیان و فعالیت وی در شبکه ترور آگاه است. خواست نیروهای آزادی‌خواه و اصلاح‌طلب آن است که آقای خاتمی زبان بگشاید و آمران و فتوادهندگان ترور را با نام به مردم معرفی کند.

اصلاح‌طلبانی که میل دارند سیاست خیابانی را از ایران بچینند و یا هرچه محدودتر کنند، بهتر است ابتدا به کارگران، دانشجویان، جوانان، زنان و همه اقشار ایران کمک کنند سندیگانه، اتحادیه‌ها و تشکلهای صنفی و رفاهی و سیاسی و مدنی خود را ایجاد کنند و از این طریق خواست‌ها و مطالبات خود را پیگیری کنند و به نتیجه برسند.

اصلاح‌طلبان حکومت، ماه‌هاست در برابر حرکات مستقل توده‌ای موضع منفی گرفته‌اند و نسبت به «غلبان توده‌وار»، «خیابانی کردن» سیاست و «اقدامات زمینه‌ساز آشوب» هشدار می‌دهند و از هواداران خود و به ویژه دانشجویان می‌طلبند از این گونه اقدامات پرهیز کنند.

برای این هشدارباش‌ها دو دلیل عملی و تئوریک آورده می‌شود. با دلیل نخست به دلیل کثرت تکرار آن آشنا هستیم. رهبران و تحلیل‌گران اصلاح‌طلب حکومت بر پایه این حکم درست که محافظه‌کاران دنبال آشوب می‌گردند به این فرض نادرست می‌رسند که برای پرهیز از بهانه‌دادن به دست آشوب‌طلبان باید از اقدامات تحریک‌آمیز خود پرهیز کرد. این هشدارها از حوادث تیر ماه دانشگاه شروع شد و هرچند انتظار می‌رفت به تدریج از غلظت آن کاسته شود،

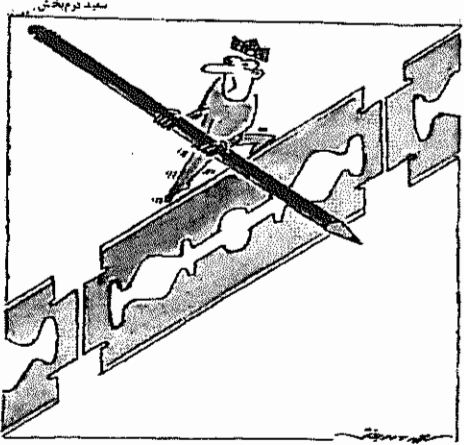
اما همچنان ادامه یافته است. اصلاح‌طلبان حکومتی با «فشار از پایین» تقریباً واداع کرده‌اند. از جمله عوامل این واداع، تجربه‌های است که آن‌ها در جریان حوادث تیر ماه سال گذشته آموختند و فهمیدند «خیابان» محل بروز رادیکالیسی است که برای آنان نمی‌تواند قابل‌کنترل باشد. از همین روست در هشدارباش‌ها، تنه‌ها هراس از سواستفاده محافظه‌کاران برای ایجاد آشوب جای ندارد. هراس از سربرآوردن نیروهای رادیکال و مطالبات رادیکال هم جای دارد! ادامه این هشدارباش‌ها به تدریج رنگ و لعاب تئوریک به خود گرفته است. اکنون در ادبیات اصلاح‌طلبان حکومتی غالباً به این فکر برمی‌خوریم که باید از «خیابانی کردن» سیاست پرهیز کرد. فرمیسم تمایل شدیدی دارد جامعه را در چارچوب پارانرمان، سپاه‌های رسمی جاقفاده و رای خلاصه و حبس کند. این تمایل اگر در کشورهایی که متکی بر اصول دموکراسی است و از نهادهای نیرومند دموکراتیک برخوردار است، همواره تعرض مستقیم یا اعمال نظر و اراده توده مردم پیدا نمی‌کند، اما در کشورهایی که فاقد این نهادهای مدنی و تثبیت شده هستند، به حذف اراده و عمل

درباره «خیابانی کردن» سیاست

مردم به عنوان یک عامل مستمر در سیاست منجر می‌شود. وقتی می‌توان در مخالفت با «خیابانی کردن» سیاست اندکی حق به جانب بود، که به توده‌های گوناگون مردم راهی نشان داد بتوانند خواست‌های خود را از طرق دیگر به غیر از خیابان پیش ببرند، پیگیری کنند و به نتیجه برسند. در جامعه ما این طرق دیگر، بسیار محدود است. تنها تشکلهای موجود و رسمی کارگران، شوراها و اسلامی کار و خانه کارگر است که بیش از آنکه دغدغه منافع کارگران را داشته باشند، در فکر مصالح حکومتند. توده‌های مردم تقریباً فاقد هر گونه تشکل و تشکیلات هستند. در دانشگاه‌ها تشکلهایی وجود دارند که به هیچ وجه فراگیر نیستند و هنوز نیز بیشتر حکومتی هستند تا دانشجویی. تقریباً تمامی تشکلهای رسمی موجود در ایران وابسته به حکومت هستند و از این رو فاقد مشخصه اصلی نهادهای مدنی به شمار می‌روند. عمده‌ترین عامل تشکل مردم یعنی احزاب سیاسی با شدتی به مراتب بیشتر دچار همین وابستگی هستند. این چه باقی می‌ماند انتخابات ریاست جمهوری و مجلس و وجود تعدادی مطبوعات هستند. آیا اراده مردم می‌تواند از این

کانال‌ها آزادانه جاری شود؟ نه تنها در ایران که انتخاباتش نیز اساساً در چارچوب مورد نظر حکومت (و بخش بسیار تنگ‌نظر آن) باید جریان یابد، بلکه حتی در کشورهای پیشرفته دموکراتیک نیز وفاداری متخین به مطالبات انتخاب‌کنندگان خود، بیشتر استثنا است تا قاعده. این موضوع خود بحث دیگری در باره محدودیت‌های دموکراسی پارلمانی می‌طلبد، که در این نوشته نمی‌گنجد. از این مقدمات می‌خواهیم چنین نتیجه بگیریم که در کشور ما به هیچ وجه ابزار لازم، کافی و اطمینان‌بخش برای این که سیاست را از خیابان به سوی نهادهای مدنی هدایت کرد، وجود ندارد و در این صورت جلوگیری از کشیده‌شدن سیاست به خیابان عملاً معنایی ندارد جز آن که سیاست به نخبگانی وانهاده شود که توده مردم هیچ ابزاری برای کنترل آن‌ها ندارند. در ایران درست به این دلیل که سیاست خیابانی که از دوم خرداد رونق گرفته بود، از ۱۸ تیر ممنوع شد، سرنوشت مبارزه سیاسی پیش از پیش به توافقات و کشاکش‌های دو جناح عمده حکومت گره خورده و توده مردم فقط در مقطعی که از دو تا سه مسورد تجاوز نکس کرده است، توانسته‌اند نقش خود را بطور

مشروط و آن هم محدود و نه دوام‌دار بر این مبارزه بگذارند. در مورد دفاع اقشار مختلف مردم ایران از حقوق صنفی و اجتماعی خویش، لزوم به کارگیری «سیاست خیابانی» بهتر محسوس است. کارگران ایران امروز وسیله و نهاد مطمئنی برای دفاع از حقوق خویش و اعتراض به اقدامات ضدکارگری مجلس و بی‌توجهی اصلاح‌طلبان به وضعیت خود ندارند. سایر اقشار هم وضع مشابهی دارند. پس اصلاح‌طلبانی که میل دارند سیاست خیابانی را از ایران بچینند و یا هرچه محدودتر کنند، بهتر است ابتدا به کارگران، دانشجویان، جوانان، زنان و همه اقشار ایران کمک کنند سندیگانه، اتحادیه‌ها و تشکلهای صنفی و رفاهی و سیاسی و مدنی خود را ایجاد کنند و از این طریق خواست‌ها و مطالبات خود را پیگیری کنند و به نتیجه برسند. بدون کوشش در جهت ایجاد این نهادهای توده‌ای، پرهیز دادن توده مردم از روی آوردن به «سیاست خیابانی» سوظن آفرین است. و نکته آخر، از نظر یک نیروی چپ که اساس مبارزه و کوشش خود را بر بسج نیروی توده‌ای قرار می‌دهد، به ویژه در دنیای کنونی، عصر «سیاست خیابانی» به هیچ وجه به پایان نرسیده است. هنوز بسیار موارد لازم است که مطالبات مردم در خیابان به دولتمردانی که گوش‌های سنگینی دارند، یادآوری شود! □



قانون مطبوعات می‌باید به سود اطلاع‌رسانی آزاد تغییر یابد.

علیرغم هشدار افکار عمومی در مسکوت‌گذارن طرح لایحه اصلاح قانون مطبوعات تا آغاز کار مجلس ششم و صدور پاپی اطلاعاتیه‌ها و مصاحبه‌های دست‌اندرکاران مطبوعات مستقل کشور، پیروژه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران و بخش قابل توجهی از شخصیتها و تشکلهای وابسته به دوم خرداد اکثریت نمایندگان دور پنجم مجلس شورای اسلامی در دشمنی با مطبوعات همچنان در صددن این لایحه بحران‌آفرین و زیانبار را مسورد بررسی و تصویب نهایی قرار دهند.

یکی از آخرین تلاشهای محافظه‌کاران در پی شکستشان در جریان انتخابات مجلس ششم، بررسی جزئیات طرح اصلاح قسانون مطبوعات توسط نمایندگان اقتدارگرای مجلس پنجم می‌باشد، که بیانگر مخالفت صریح با امر توسعه سیاسی در کشور است. سال‌گذشته که صدویازده تن از نمایندگان به مسکوت‌گذارن طرح، به مدت سه ماه به توافق رسیدند و مبادرت به تشکیل کمیسیون مشترک جهت رسیدگی به طرح مذکور شدند، اکنون مصوبه‌ای در ۱۲ ماده و ۲۷ تبصره و ۲ بند را به این طرح افزوده‌اند و همچنین ۱۲ ماده، تبصره و بند از قانون قبلی را مورد اصلاح قرار داده‌اند. اصلاح طرح مطبوعاتی، توسط اکثریت مجلس پنجم در سطح جامعه در راستای اعمال فشار هر چه بیشتر به دست‌اندرکاران مطبوعات معنی یافته و این اقدام از سوی مردم و افکار عمومی محکوم و مورد نکووش قرار گرفته است. استقبال گسترده مردم از منتقدین نظام و انعکاس این نظرات در نشریات مستقل، راستگرایان را سخت به وحشت انداخته و آنها را بر این داشته که به انتقام‌جویی بپردازند. شکست‌خوردگان حکومتی

همواره در تلاش بوده‌اند که قدرت را به شکل مطلق آن در اختیار داشته باشند، آنها از نور تاباندن مطبوعات مستقل بر عملکرد و رفتارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود در وحشت هستند. این طرح که در شرایط اجتماعی موجود، با خواست‌ها و مطالبات مردم به شدت در تعارض است، قصد دارد با خودسانسوری زمینه را برای تعطیلی بخشی از مطبوعات مستقل فراهم سازد و نیز مردم را از دسترسی به اطلاعات آزاد محروم نماید.

طی هفته جاری و همزمان با طرح اصلاحی موجود چند مدیر مسئول و روزنامه‌نگار به دادگاه فرا خوانده شده‌اند. اقتدارگرایی با مشاهده نتایج انتخابات ۲۹ بهمن، هرچه بیشتر به نقش و فعالیت آزاد مطبوعات مستقل در پیشبرد توسعه سیاسی پی برده‌اند و یکی از راه‌های مقابله با این امر را محدود ساختن فعالیت آزاد اهل قلم و مطبوعات مستقل تشخیص داده‌اند. آنها در تریبون‌های عمومی و رسانه‌های حکومتی به شکل سازمان‌یافته‌ای زبان به تکفیر دست‌اندرکاران این جریرید گشوده‌اند و مداوماً مبلغ فرهنگ خشونت در کشور گشته‌اند. دشمنی محافظه‌کاران با مطبوعات آزاد و بکارگیری امکانات موجود از سوی آنان، در جهت تصویب قوانین و رویه‌هایی نخواهد بود. اکنون جامعه با اتخاذ تصمیم و انتخاب خود خواستار تحول اساسی در ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی کشور است. شرایط اجتماعی جامعه به گونه‌ای است که مردم و روزنامه‌نگاران خواستار اصلاح قانون مطبوعات از وجهه تضمین و ایجاد فضای باز مطبوعاتی و آزاد اطلاع‌رسانی در کشورند. قوانین فعلی که اینجا و آنجا دست‌روزنامه‌نگاران را می‌بندد و موانعی را بر سر راه آنان قرار می‌دهد، می‌باید مورد اصلاح و تجدید نظر اساسی قرار گیرد و با تنظیم طرحی کاملاً کارشناسانه مشارکت گسترده خانواده اهل قلم و روزنامه‌نگاران را جهت تدوین قانونی فراگیر فراهم آورد تا راه هرگونه خودسانسوری و محافظه‌کاری بسته شود. تنها با تحقیق این موضوع است که مطبوعات موفق خواهند شد به سامان مورد نظر اهل قلم نزدیک شوند و پروسه توسعه سیاسی را همگام با مشارکت گسترده اجتماعی به پیش برند. □

شورای نگهبان در تدارک خشی کردن مجلس ششم

ادامه از صفحه اول

فروردین گروهی از مردم خلخال اعتراض علیه شورای نگهبان را در تهران با اجتماع در مقابل وزارت کشور ادامه دادند. با ابطال ۲۱ صندوق رای بخش فیروزآباد، سید کاظم مطهری نفر دوم انتخابات و وابسته به جناح راست به جای کی‌کوس خاک‌نژاد به مجلس ششم می‌رود. اعتراضات متوالی مردم مساوند روز چهارشنبه ۲۴ فروردین در تهران در مقابل وزارت کشور دنبال شد و تظاهرکنندگان خواستار تانید صحت انتخابات در حوزه انتخابیه دماوند از سوی شورای نگهبان شدند. جمعیتی که مقابل ساختمان وزارت کشور اجتماع کرده بودند، فریاد می‌زدند: «شورای نگهبان، رای ما را پس بده»، «وزیر کشور دلی، رای ما را پس بگیر!»، «حسین، حسین شعار ماست، خانزادی انتخاب ماست».

بر روی پلاکاردهایی که در دست جمعیت بود، نوشته شده بود: «همگان بدانند، اگر انتخابات هزاران بار تکرار شود، باز هم رای ما به کاندیدای جبهه دوم خرداد است». و این پاسخی است به خامنه‌ای که در خطبه‌های نماز جمعه با بی‌شرمی و گستاخی این مردم را به دلیل انتخابشان «جاهل» و «غرض‌ورز» خواند. نتایج انتخابات تهران که قرار بود روز پنجشنبه روشن شود و شورای نگهبان نظر نهایی خود را اعلام کند به بعد از ایام سوگوار می‌شود. روزنامه‌ها به نقل از محمدرضا ایت‌اللهی نوشته‌اند، شورای نگهبان قصد دارد صندوق‌های رای تهران را برای چندمین بار بازسازی کند. قبلاً گفته می‌شد که بازسازی، محدود به شمارش آرای چند نفر خواهد بود. علی‌اکبر رحمانی و هاشمی

معلوم شد آن طور که سپاه پاسداران و قضات مدرسه «حقانی» می‌خواهند القا کنند «مهاجمان نه تنها «خود سر» نیستند بلکه ارتباط تشکیلاتی آنان به عاملان و عامران قتل‌های زنجیره‌ای مسی‌رسد و آمران ترور می‌خواستند با معرفی «سعید عسکر» و «محمد مقدمی» به عنوان عاملان اصلی سرنخ‌ها را کور کنند. نیروهای تحت فرمان ذوالقدر در سپاه پاسداران محمد مقدمی را تا سرحد مرگ شکنجه کردند تا او را وادار سازند که با سعید عسکر در طراحی و اجرای ترور همدستی کرده ولی مقدمی زیر بار نرفت و با دخالت خاتمی «مقدمی» از دست شکنجه‌گران سپاه و سازمان قضایی نیروهای مسلح نجات یافت اما کوش و قوس میان قوه قضائیه سپاه و وزارت اطلاعات به سود قوه قضائیه تمام شد و پرونده در اختیار رازقتدی قرار گرفت و نویسندگان و مطبوعات رسماً از طرف شاهرودی تهدید شدند اگر خبری در باره ترور حجازیان بدون تانید وزارت اطلاعات و دادگستری چاپ کنند با پی‌گرد قانونی و زندان مواجه خواهند شد.

علیرغم تهدید و سرکوب، نور روزنامه‌نگاران دل تاریک‌خانه اشباح را گام‌به‌گام می‌شکافد و به درون کمیته مجازات راه می‌یابد. نام ذوالقدر فرمانده حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران از پشت پرده بیرون افتاده است و فاش شده که وی از چهره فعال پشت صحنه ترور حجازیان و قتل‌های زنجیره‌ای است. ذوالقدر با حسینیان و بیت خامنه‌ای رابطه محرمانه دارد و همان کسی است

عاملان ترور حجازیان با دفتر خامنه‌ای ارتباط دارند

ادامه از صفحه اول

آنجا که جولانگاه عالیجناب خاکستری و عوامل اوست منتقل کنند و به خون‌خواهی حجازیان این بار نیروهای ملی - مذهبی و نهضت آزادی را متهم سازند و زمینه بر خورده خشونت‌آمیز و بگیروبند آنان را فراهم سازند. اکنون همگان میدانند که بلافاصله بعد از ترور حجازیان، یونسکی وزیر اطلاعات و خامنه‌ای دیدار کرده‌اند و موضوع این دیدار برانث از سپاه پاسداران در مساجرای ترور حجازیان بوده است. بنا به برخی گزارش‌ها خامنه‌ای از وزیر اطلاعات خواسته است سریعاً سر و ته قضیه را هم بیاورد و نگذارد در ارتباط با پرونده نام سپاه مطرح شود. بعد از این دیدار بود که یونسکی انگیزه مهاجمان علیه حجازیان را «خودسرانه» و «شخصی» خواند و تاکید کرد که مستهان با نهادهای ارتباطی نداشتند. اما سناریوی یونسکی چندان دوام نیاورد و خیلی سریع

رفسنجانی دو چهره‌ای هستند که تعداد آرای آنان برای جناح راست اهمیت ویژه‌ای دارد. اگر آرای رحمانی بیشتر از رفسنجانی باشد، دست رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و چهره دوم جمهوری اسلامی از مجلس کوتاه خواهد شد و این کابوسی است که خواب از چشم جناح راست گرفته است. نه رفسنجانی و نه سایر چهره‌های راست هنوز نمی‌توانند بپذیرند که انتخابات را به مردم باخته‌اند. اما واقعیت دارد و هشدار که این پیروزی نباید به آسانی از دست برود.

بخش‌هایی از سخنرانی‌های ایرادشده در کنفرانس برلین

اکبر گنجی:

دمکراسی روشی است معین

برای رسیدن به نتایج نامعین



به امید بازگشت شرافتمندانه همه ایرانیان به ایران عزیز
دمکراسی محصول انسان‌های دمکرات است و بدون تفکر دمکرات، ایجاد دمکراسی محال است. دمکراسی متکی به آدمیان عقلانی است. کسانی که حاضر نیستند صدای مخالفان خود را بشنوند و کسانی که حاضر به گفتگو نیستند، آنها دمکرات نیستند و (اشاره به همه‌همه و سر و صدای عدلی از مخالفان برگزاری کنفرانس که در سالن حضور داشتند) کسانی که در این فرایند پیروان باشند بپیوهده شعار دمکراسی و آزادیخواهی سر می‌دهند.

رژیم‌ها و نظام‌های سیاسی به دو دسته تقسیم می‌شوند: رژیم‌هایی هستند که فقط و فقط از طریق انقلاب و براندازی می‌توان آنها را تغییر داد، اما رژیم‌های اصلاح‌پذیر، رژیم‌هایی هستند که به شیوه‌های دمکراتیک و مسالمت‌آمیز و از طریق انتخابات تغییر می‌کنند و تاریخ بشریت نشان داده است که به شیوه‌های انقلابی نمی‌توان دمکراسی ایجاد کرد و انقلابات و انقلابیون ناسوان از ایجاد حکومت‌های دمکرات هستند.

در یک سر طیف رژیم‌هایی قرار دارند که حداکثر اصلاحات را مجاز می‌شناسند و در سر دیگر رژیم‌هایی قرار دارند که حداقل اصلاحات را مجاز می‌شمارند.

نظام اصلاح‌پذیر دمکراتیک به نظامی گفته می‌شود که بطور مستمر از طریق انتخابات حاکمان آن با رای مستقیم مردم تغییر می‌کنند. در این گونه رژیم‌ها آزادی‌گفتار، بیان، عقیده و رفتار به رسمیت شناخته می‌شود.

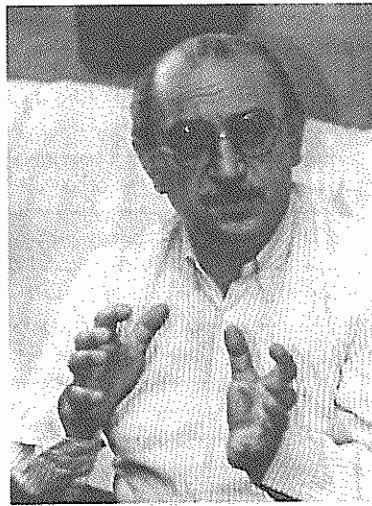
فرایند دمکراتیک محصول فرهنگ دمکراتیک است. کسانی که هیچ بونی از فرهنگ دمکراتیک نبرده‌اند نمی‌توانند شعار دمکراسی سر دهند. این فرایند متکی به قوانین فرایند دمکراتیک است. خشونت یک روشی است که محصولی جز خشونت ببار نخواهد آورد و درخت مرداب متعفن خشونت، میوه‌هایش جز خشونت و تروریسم بار نخواهد داد.

عرصه سیاست همچون عرصه اقتصاد است و چنانکه بازار اقتصاد بدون رقابت و بدون حضور رقبا به کار خود نمی‌تواند ادامه دهد، بازار سیاست متکی به رقابت تمام‌عیار گروه‌ها و احزاب مختلف است. آزادی برای همگان مطلوب نیست. تنها کسانی آزادی را می‌پسندند که کالائی عرضه در بازار سیاست داشته باشند. آنهایی که هیچ کالائی برای عرضه در بازار سیاست ندارند با آزادی مخالفتند و اجازه سخن گفتن به مخالفان خود را نمی‌دهند.

در باره نظام جمهوری اسلامی دو قضاوت وجود دارد: کسانی این رژیم را ذاتاً یک رژیم اصلاح‌ناپذیر می‌دانند و به دنبال آنند که با تروریسم این رژیم را براندازند. اما به گمان من رژیم جمهوری اسلامی ایران یک رژیم

چنگیز پهلوان:

روشنفکری دینی پدیده‌ای است گذرا



ما در واقع طرفدار گفتگو هستیم و دوستان ما هم که موسوم به دوم خردادی‌ها هستند اینجا، استقبال کردیم که نسبت به مسئله رفردما در ایران هرکس نظر خودش را بگوید. اساس این بود که ما همه قبول کردیم که در این کنفرانس شرکت کنیم. اما این که کسانی که اعتراض کردند صرف‌نظر از این که شیوه‌های ناشایست را به کار بردند و به نظر من اجازه بفرمائید صریح بگویم در حد یک فساد و فحشای سیاسی بود آن چه که ما اینجا تجربه کردیم، اما این یک جنبه قضیه هست. یک جنبه دیگر قضیه این است که ۲۰ سال در واقع خشونت جمهوری اسلامی است که این مردم را وامی‌دارد اینگونه عکس‌العمل نشان بدهند. این را نه می‌شود به علت انتخاب آقای خاتمی نادیده گرفت. ۲۰ سال است که حقوق مردم ایران زیر پا گذاشته می‌شود و این را نمی‌شود فقط با این که آمد گفت ما طرفدار دمکراسی هستیم، فوری نادیده گرفت. بیست سال هست که باید تمام این قتل‌ها ریشه‌یابی بشود.

... وقتی که گفته می‌شود بازگشت شرافتمندانه ایرانیان به داخل وقتی گفته می‌شود

ایران برای همه ایرانیان، در مدت انتخاب آقای خاتمی کدام لایحه به مجلس ایران رفت که حقوق ما بازسازی شود؟ چرا این را توضیح نمی‌دهند؟ کدام لایحه هست؟ آیا وقتی امروز صحبت از مطبوعات می‌شود فقط آقای جلاتی‌پور و دوستان‌شان هستند که اجازه انتشار مطبوعات دارند؟ حتی یک نشریه اپوزیسیون عرفی ایران ندارد. اینجا نباید قاطعی بشود. اما ما با دوم خردادی‌ها چه مسئله‌ای داریم. بنده را از دانشگاه هم دوم خردادی‌ها اخراج کردند هم محافظه کاران و دست‌راستی‌ها...

کسانی از مواضعی در میان دوم خردادی‌ها دفاع می‌کنند که این مواضع به طور تاریخی در جمهوری اسلامی متعلق به اینها نبوده. گفتارهای ما را بر می‌دارند از آن خودشان می‌کنند، مثل گفتار ایران، مثل گفتار تمدن ایرانی، مثل گفتار عدالت اجتماعی، و دهها گفتار دیگر را از خودشان می‌کنند و مکانیزم حذف را انجام می‌دهند. به این ترتیب ما حق نشریه نداریم، بنده تقاضای مجله می‌کنم، نمی‌دهند. من در دانشگاه حق تدریس ندارم.

دوم خردادی‌ها چرا یک بار از ما دفاع نمی‌کنند. ما ترور آقای حجاریان را سریع محکوم کردیم. حق انسانی یک کسی بوده که در واقع داشته فعالیت می‌کرده و به جانش سوءقصد شده و آقای خاتمی می‌رود به او توجه می‌کند ولی آقای رئیس‌جمهور چرا بچه‌های فرور را نمی‌پذیری که وقتی پدر و مادرشان را می‌کشند؟ چرا؟ چرا خانواده پوینده را نمی‌پذیری؟ ما از ایشان تقاضای وقت کردیم به عنوان نویسندگان به ما وقت نداد، اما خودشان را می‌پذیرد. ما شهروند دست دوم نیستیم؟

... ما نیستیم گفتار برداری، اندیشه برداری در ایران و چون شما صاحب این گفتار نیستید این روش دوم خردادی‌ها بحران ایجاد می‌کند. گفتار باید درونی بیرون بیاید. من گفتار روشنفکری دیگر را بر نمی‌دارم. اعتقاد بر این است که روشنفکری دینی پدیده‌ای است گذرا. بر اثر گفتار برداری مستمر در واقع خودش به

یک جریان لائیک تبدیل خواهد شد و تحول دینی به وجود نخواهد آمد که من بارها در ایران گفتم، تحول و رفردما باز از حوزه خواهد شد و از طریق خود آخوند و آن کسی که به گفتار فقهی پایبند است.

... ما ضد دین نیستیم ولی دین را امری شخصی می‌دانیم. طرفدار آزادی دین در ایران هستیم. آزادی وجدان یعنی آزادی ایمان یعنی شما حق نداشته باشید کسی را چه در مجلس و چه در دانشگاه برای سمت استادی و دانشجویی و در هر شغل دیگر به اعتبار سنش دینی حذف کنید.

مسئله دوم: مسئله پیوند با تاریخ است. جمهوری اسلامی نظام سیاسی معینی است که انتطاع در تاریخ و شعور تاریخی ما به وجود آورده یکبار ایران باستان را نقد می‌کنیم حالا که بازگشت می‌کند و برگشت می‌کند تاریخ معاصر ایران را تاریخ معاصر ما از خرداد ۴۲ شروع می‌شود، ۱۵ خرداد ۴۲. ما تاریخ نداریم در جمهوری اسلامی. وقتی که برمی‌گردیم به طور صوری اسم مرحوم مصدق می‌آید اما اینها پایدار نیست، پس بنابراین مسئله روشنفکری ایران مبارزه با این انتطاع تاریخی است.

سومین مسئله جنبش‌های خودانگیخته است. این بحث جامعه مدنی را من باهاش موافق نیستم. به صراحت این را عرض می‌کنم جامعه مدنی را آقایان در دوم خرداد آورده تبدیل کردند به ابزار خودشان. خودشان سازماندهی می‌کنند و اینها را هدایت می‌کنند. ما جنبش دانشجویی نداریم. دفتر تحکیم وحدت خوبه، ما حرفی نداریم اما شما بگذارید بچه‌های دیگر جنبش خودشان را داشته باشند.

وکالی دادگستری خواستند انتخاب بکنند. همین ده روز پیش در این سازمان انتظامی قضات (چه کسی) به آنها اجازه داده که کسی حق داره کاندیدا بشود و کی نشود؟ بنابراین سازمان‌های مدنی حساس پیشینه‌دار ما در واقع حیات ندارند و این نحوه که جنبش به اصطلاح مدنی در ایران پیش می‌رود خطرناک است. پس بنابراین پیشنهاد من روی آوردن به جنبش‌های خودانگیخته است.

رابطه صورت داده است. اما چیزی که جای امیدواری دارد این است که اکنون مطالبات مردمی به حدی جدی و گسترده است که هیچ مانعی نمی‌تواند از پیشرفت آن جلوگیری بعمل آورد. و حتی اگر آقای خاتمی به هر دلیل در کار خود شکست نیز بخورد، قطعاً راه ادامه خواهد داشت. چرا که در این راه دمکراسی از اولویت اول برخوردار است و هم یک اجماع بزرگ فکری و سیاسی در این مورد وجود دارد، که بی‌سابقه است. اما این سخن بدین معنی نیست که پس از انتخابات و پیروزی اصلاح‌طلبان مشکلات و موانع برطرف شده است. جناح محافظه کار و پاسداران استبداد باز هم قطعاً کارشکنی خواهند کرد. و باز هم دست به انواع توطئه خواهند زد. اما به گمان من عمر تاریخی تمامی استبدادگران در ایران بسر رسیده است، و دیگر اشکال استبداد و خشونت در میان مردم اعتباری ندارد و لذا تلاش‌های آنان عمدتاً می‌تواند ایزانی باشد و اتفاقات در این حد از کوشش و تلاش برای کارشکنی در راه اصلاحات برای تأمین دمکراسی و آموزش عمومی مفید خواهد بود.

به هر حال به گمان من چشم‌انداز آینده ملت روشن است. و چیزی که بیش از هر چیز مایه امیدواری است این است که این بار دمکراسی به صورت تدریجی و در متن یک کش گسترده ملی و مردمی به پیش می‌رود. گفته‌اند در تحولات اجتماعی نباید به کوتاه‌ترین راه اندیشید، بلکه مطمئن‌ترین راه مطلوب است ولو دراز و طولانی و سخت باشد. در هیچ جای دنیا نیز دمکراسی یک شبه و بدون آموزش مردم و آگاهی‌توده‌ها و آمرانه محقق نشده است. تا زمانی که آگاهی مردم بحد کافی نرسد و زمینه‌ها فراهم نیاید و دمکراسی بصورت یک خواست عمیق و عمومی مطرح نشود، هیچ حادثه‌ای روی نمی‌دهد و نیز تا زمانی که نهادهای مدنی بوجود نیاید، دمکراسی ادامه در صفحه ۷

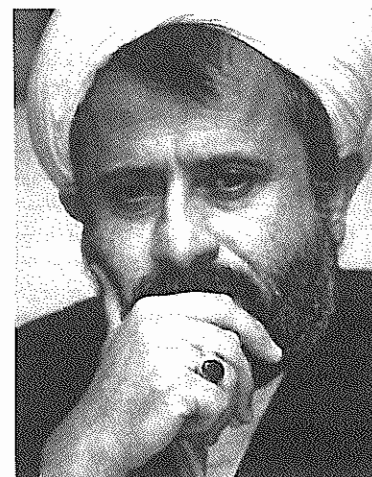
یوسفی اشکوری: تحول اساسی و ساختاری در تمام عرصه‌ها

از طریق مسالمت‌آمیز

اهمیت نمی‌دادند و حداقل به شیوه‌های رسیدن به دمکراسی بها لازم پرداخت نمی‌شد. اما اکنون این هر دو برای همه مهم شده است.

تجربه تلخ ۲۰ سال اخیر بر همگان ثابت کرده است که آزادی و دمکراسی و تأمین حقوق شهروندی پیش‌شرط هر نوع تغییر و توسعه اجتماعی و یا علمی و فرهنگی است. تحولاتی که از حدود چهار سال قبل در انتخابات مجلس پنجم آغاز شده آثار این تحول مهم را بخوبی نشان می‌دهد. انتخابات ریاست جمهوری در سه سال پیش و انتخابات شوراها و انتخابات مجلس ششم همگی نشان‌دهنده آن است که مردم و نخبگان فکری و اجتماعی و سیاسی با هر گرایش که دارند به حدی از آگاهی و درک ضرورت تاریخی رسیده‌اند که با تمام وجود خواهان آزادی و دمکراسی می‌باشند. و بویژه همگان به این نتیجه رسیده‌اند که راه حذف و خشونت و استبداد در هر شکل حتی زیر پوشش دین و مذهب و یا انقلابی‌گری و چپ‌نمایی محکوم به شکست می‌باشد و همگان خواستار تحول اساسی و ساختاری در تمام عرصه‌ها از طریق مسالمت‌آمیز و شیوه‌های دمکراتیک می‌باشند.

نکته مهم آن است که اکنون دولت آقای خاتمی صادقانه حامی اصلاحات است و می‌خواهد در حد توان و امکانات و ظرفیت محدود موجود به نهادهای شدن آزادی و قانون و دمکراسی یاری رساند و البته کوشش‌های قابل توجهی نیز در این



جهت رفع عقب‌ماندگی‌های سیاسی و فرهنگی و توسعه اقتصادی در این زمانه. زمانه پیش‌ازهر زمان دیگر مقدماتش فراهم است. در طول یک صد سال مبارزه و مقاومت در برابر استبداد و عقب‌ماندگی فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و ناکامی‌های بسیار زیاد تاریخی، امروز بیش از گذشته حداقل، آزادی و دمکراسی و حقوق شهروندی اهمیت پیدا کرده است. در گذشته نه مردم و نه حتی روشنفکران و نخبگان سیاسی چندان به دمکراسی

بخش‌هایی از سخنرانی‌های ایراد شده در کنفرانس برلین

مهرانگیز کار:

مطالبات مردم بسیار جلوتر از شعارهای

جریان اصلاح‌طلبی در ایران است.

از نگاه من ایران بعد از انتخابات مجلس ششم گرفتار یک بحران جدی در حوزه قانون‌گذاری خواهد شد. مطالبات مردم ایران بسیار جلوتر از شعارهایی است که مدافعان جریان اصلاح‌طلبی در ایران به آن توجه می‌دهند. این مطالبات چنان است که ضرورت داور و بررسی عملکرد حاکمیت را نه تنها در ده سال گذشته بلکه در بیست و یک سال گذشته امری لازم (می‌دانند) و مردم ایران چنین توقعی از جریان اصلاح‌گرایی در ایران دارند. مردم ایران به چیران نقض حقوق بشر در بیست و یک سال گذشته و نقض حقوق مجلس توقع دارند که مجلس ششم با بازنگری دقیق در قوانین ایران موجبات تحقق بخشیدن به شعارهای اصلاح‌گرایی را به صورت قوانین مدون و لازم‌الاجرا فراهم سازد.

در حال حاضر قوانین ایران به شعار ایران برای تمام ایرانیان و دست نهادن بر حقوق مخالفان و مشارکت همه مردم ایران به خصوص

طیف وسیع سکولار در ایران از مشارکت وسیع آنها در حیات سیاسی و اجتماعی کشور جلوگیری می‌کند. این قوانین در حوزه مطبوعات در حوزه آزادی بیان و نشر در حوزه دگراندیشان در حوزه متهمان سیاسی و مطبوعاتی نیاز به بازنگری دقیق دارد. مجلس ششم قانون‌گذاری ایران ناگزیر است اگر بخواهد صادقانه و در جهت تحقق شعارهای اصلاح‌گرا اقدام بکند موجبات تغییر اساسی در این قوانین و انطباق آنها را با موازین حقوق بشر فراهم سازد.

اما، اما به لحاظ ساخت حقوقی و سیاسی که ما در آن بسر می‌بریم هرچه گفتیم درونی است و خواستن است، توانستن نیست. زیرا به موجب اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باید تمام قوانین و مقررات در انطباق با موازین و مبانی اسلام باشد. نظر به اینکه قوانین تعریف واحد و منسجمی از موازین و مبانی اسلامی

ارائه نداده است، در نتیجه مجریان قوانین می‌توانند هر یک به طریقه خود و بنا به مصالح جناحی و سیاسی تعریفی از مبانی اسلامی و مبانی فقهی ارائه بدهند، که در بسیاری موارد با اصل آزادی‌ها در تعارض قرار می‌گیرد.

بنابراین آسان نیست برای مجلس ششم که به مطالبات وسیع مردم در امر قانون‌گذاری پاسخی مثبت بدهد، در نتیجه ما در ابتدا بحران‌هایی در حوزه قانون‌گذاری کشور هستیم و مکانیزم قانون‌گذاری و مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی متأسفانه مکانیزم و نظام پیچیده‌ای است که مشکل‌ساز است.

بنابراین در مجلس ششم قانون‌گذاری مواجه خواهیم شد با مسائل عمده‌ای مانند ضرورت بازنگری در قوانین خشونت‌آمیز به خصوص قوانینی که حقوق زنان - نیمه‌ای از جمعیت - را تضعیف می‌کند و در مواردی که شهروندان را به درجسات مختلف تقسیم می‌کند و حقوق شهروندی مساوی تامین نشده است.

با توجه به این پیچیدگی نظام قانون‌گذاری کشور است که ضمن آن که حوزه قانون را بعد از انتخابات مجلس ششم بحرانی تصویر می‌کنیم اما امیدواریم که از یک مکانیزم مثبت که در آن قانون وجود دارد و عبارات است برگرزایی همه‌پرسی در مواردی استفاده شود و موانع حقوقی از پیش پای اصلاحات در کشور برداشته شود.

کاظم کردوانی:

مردم ایران نوع و شیوه بیست ساله

حکومتی را بر نمی‌تابد

اگر بخواهیم با حرکت از انتخابات مجلس ششم چشم‌انداز ایران را نگاه کنیم، حقیقت این است که این چشم‌انداز پیش از انتخابات ریاست جمهوری آغاز گشته است و آقای خاتمی در واقع این جنبش را به وجود نیاورده، بلکه ایشان در واقع خود معلول این جنبش بوده که پیش از این در ایران وجود داشته است و این جنبش در داخل، قدم به قدم مهر خود را بر تمامی سیمای جامعه امروز ما زده است.

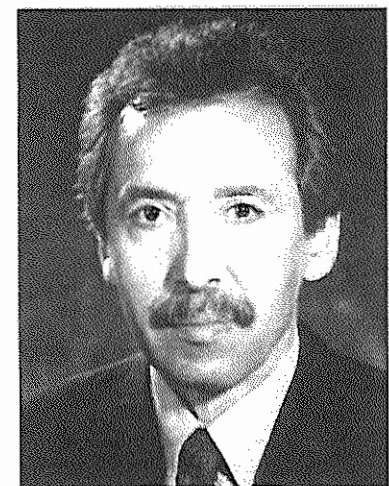
این جنبش بسیار فراتر از توان و قابلیت چهره‌های شاخص ملی، نهادهای رسمی و نیمه رسمی ایران است.

سوالی که مطرح است این است که آینده چه خواهد شد؟ این نه برای شما بلکه برای تک‌تک ما نیز که در بطن جامعه زندگی می‌کنیم مطرح بوده و برای ما که به اندازه قابلیت‌هایمان سهمی در جنبش نیز داریم کاملاً روشن نمی‌باشد. چیزی که در واقع پراسیمان اساسی می‌باشد، این روند دمکراتیزاسیون است که در جامعه در حال وقوع است. در مورد آینده این جنبش من از یک باورها و ناپایداری‌های صحبت می‌کنم و اماها و اگرهایی می‌گویم که این را نباید حکم تعبیر کنید. بلکه اینها فرضیه‌هایی است و راهبردهایی است که در حقیقت عرضه می‌کنم.

جنبش ایران از یک طرف از سوی نیروهای استبدادی و مخالف آزادی شدیداً تحت فشار است. من تصورم این است که در خارج از کشور آن‌گونه که باید این خطر نیروهای ارتجاعی و واپس‌گرا حس نمی‌شود. و از طرف دیگر مشکلات درونی است که در درون جنبش اصلاح‌طلبانه و بویژه خود نیروهای اصلاح‌طلب حکومت دارند.

اگر اصلاح‌طلبان امروز نتوانند واقعیت حرکت مردم را درک کنند و تأکید می‌کنم که اگر نتوانند یک پروژه سیاسی برای شرایط فعلی بسازند، پروژه سیاسی که در قد و قواره این حرکت رو به رشد باشد، بی‌شک ما یکبار دیگر دوباره دچار آن چرخه تاریخی خواهیم شد یعنی چرخه استبداد، انقلاب.

نظر بنده این است که ما اگر بتوانیم در آینده در این سه حوزه فعالیت بکنیم و باید در واقع جنبش اصلاح‌طلبی در این سه حوزه حرکت کند، یک جای قابل اعتنا در واقع در این حرکت خواهد بود. حوزه اول، حوزه روشنفکری و روشنفکری اعم از مطبوعات، اعم از لایحه‌ها، اعم از روشنفکران دینی و غیره. اینها نقش کلیدی و اساسی در تحول جامعه ایران دارند. اما این جنبش به‌رغم تمامی صلاحیت‌ها و اعتباراتی که دارد از تناقضات و اشکالات ساختاری بعضاً مهمی برخوردار است که



من خیلی خوشبختم که بعد از سال‌ها دوباره به شهر برلین برگشتم. چون یک زمانی هم جزو جنبش اپوزیسیون ایران در زمان شاه، یعنی جزو فعالین جنبش دانشجویی کنفدراسیون بودم. و الان هم در واقع همان حال و هوا را در اینجا می‌بینم و در نتیجه برایم تعجب‌آور نیست، انتخابات مجلس ششم در یکی از حادترین و تعیین‌کننده‌ترین لحظات تاریخ کشور معاصر ما برگزار شد. جنبش اصلاح‌طلبانه امروز مردم ایران چه از منظر دامنه و گستردگی‌اش و چه از منظر محتوی و چالش‌های درونی‌اش در تاریخ ایران بی‌نظیر می‌باشد. این جنبش را باید در چهار پارامتر جستجو کرد:

- ۱- بستر تاریخی جنبش سیاسی دوران معاصر ایران در صد ساله اخیر
 - ۲- مدرنیزاسیون صد ساله ایران
 - ۳- تغییرات شگرف و بنیادی ساختاری در جامعه ایران در ۲۰ سال اخیر
 - ۴- حرکت جریان روشنفکری ایران اعم از لایحه و دینی.
- انتخابات مجلس ششم و نتیجه آن آئینه تمام‌نمای تمایلات، تناقضات، پیچیدگی‌ها و نقاط قوت و چالش‌های جدی درونی جنبش اصلاح‌طلبانه ایران در وضعیت فعلی است. انتخابات مجلس ششم به‌رغم کنار گذاشته شدن بخش عظیمی از نیروهای اجتماعی طرفدار اصلاح و تحول دو چیز را نشان داد:
- ۱- مردم ایران آشکارا نوع و شیوه حکومتی بیست ساله‌ای را که تا امروز انجام شده خوب نمی‌دانند و آن را بر نمی‌تابند.
 - ۲- آشکارا طرفدار آزادی و تحول اساسی در شیوه حکومت هستند.

مصاحبه با خانم مهرانگیز کار

قوانین چه نظری دارید؟

من تصور می‌کنم شعارهای انتخاباتی که از گروه‌های دوم خرداد در انتخابات دیدیم، شعارهای بسیار خوبی بودند، «ایران برای همه ایرانیان» دیگر اجازه نمی‌دهد که اینگونه قوانینی که بر اساس آن نه انتخاب آزاد است نه مطبوعات آزاد، نه آزادی بیان بطور کامل وجود دارد، نه زنان حقوق برابر با مردان دارند، نه غیرمسلمانان و دگراندیشان حیات‌شان امنیت دارد، و طبق ساختار این قوانین نمی‌تواند دیگر تأکید کند بر باقی‌ماندن این قوانین بر ساختار حقوقی کشور. بنابراین باید چهاره‌ای اندیشید. آن نظر فقهی که امروز از آقای یوسفی اشکوری شنیدید، و بسیار نظرگرا و دیدگاه سازنده‌ای بود و متأسفانه بود با وضعیت امروزی ایران، متأسفانه نظر غالب در سیاست‌گذاری و قوانین ایران نیست.

نظر غالب، نظر فقهایی است که اصولاً قائل به اینگونه تفاسیر از متون دینی نیستند، همان نظری است که می‌گوید حجاب اجباری است، فرضاً سنگسار باید باشد و نمی‌شود لغو کرد، قوانین خشونت‌آمیز باید باشد، مهدورالدم را می‌توانند بکشند، بعداً ببیند در دادگاه ثابت کند که این مهدورالدم بوده، یعنی قوانین خشونت‌آمیزی که فی‌الغالب دیگر قابل دفاع در این زمانه نیست، و متأسفانه آن نظر فقهی که

شاید، نظر رسمی نیست. دو امیدواری باید داشته باشیم؛ اول اینکه اصولاً مجلس ششم بخواهد اساساً نسبت به آرمان‌های اعلام‌شده‌اش و برای اصلاح قوانین وفادار باشد. دیگر اینکه فقهایی از نوع یوسفی اشکوری (منظورم دیدگاهی است)، منش ولی‌فقیه و شورای نگهبان را تشکیل دهند، تا مانع از سر دمکراسی و حقوق شهروندی برداشته شود. وگرنه حتی اگر مجلس هم تصویب کند، بنظر فقهی شورای نگهبان برخورد می‌کند و مصوبه ابزار قانونی پیدا نمی‌کند.

آیا امکان تشکیل انجمن‌های زنان وجود دارد؟ مسئله فقط انجمن زنان نیست، بطور کلی تشکیل انجمن‌های غیردولتی به علت قوانین و مقررات ناظر به این شکل‌ها تقریباً امر محالی است، چون پیش‌گزیشتی در جریان تاسیس آنها خیلی زیاد و مقررات دست و پاگیر فراوان هستند. یعنی کسی که می‌خواهد تشکل تاسیس کند اگر به وزارت کشور مربوط شود، باید در آنجا یک کمیسیونی که نمایندگان حاکمیت در آن هستند، تمین را تأیید کند، جد و آباء مؤسسين را مورد تفحص قرار می‌دهند، یا از مراجع آباء نام‌ها و استعلام‌هایی داشته باشند. مادامی که افرادی که می‌خواهند یک مؤسسه را تاسیس کنند، تا این حد باید مورد تأیید سیاست‌های رسمی و امنیتی کشور باشند، ما نمی‌توانیم قائل به تشکل‌های غیردولتی در کشور باشیم. یکی از حال حاضر که من با شما صحبت می‌کنم، یکی از مسائلی که در ایران صحبت می‌کنند، این است که این قوانین هم باید بازنگری شود، دلیلی ندارد که اگر تشکل غیردولتی است، مؤسسين آن اینقدر با آن خط حاکمیت تجانس داشته باشند، حتی اگر به آن محیط هم بدهند چگونه می‌توان به غیردولتی بودن آن استناد کرد.

نظر شما نسبت به این کنفرانس چه بود؟ کنفرانس جهات مختلف داشت، از نظر کنار هم قرار گرفتن دیدگاه‌های مختلف و شنیدن حرف‌های کسانی که از ایران آمده بودند، برای شنوندگان می‌توانست مفید باشد، بعضی‌ها معتقد بودند که این کنفرانس مضر است. من از مسائل پشت پرده خبر ندارم، من به دعوت بنیاد هاینریش بل آمدم و فکر می‌کنم هرگفتگونی در فضاهای دمکراتیک می‌توانست مفید باشد و مخالفان اگر قوانین دمکراتیک را رعایت کنند، بهتر می‌توانند اعتراضات خود را به گوش هم برسانند.

در حاشیه کنفرانس بولین از سوی نشریه کار مصاحبه‌ای با خانم مهرانگیز کار صورت گرفت که در زیر می‌خوانید. این مصاحبه توسط رفیق شهلا فرید انجام گرفته است.



خانم کار، شما در مورد صحبت خانم شهلا شرکت و حضور زنان سستی در جامعه بعد از انقلاب، صحبت‌هایی داشتید، می‌توانید آن را توضیح بدهید؟

سال‌هاست می‌شوم که می‌گویند یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب و تاسیس جمهوری اسلامی این بوده است که خانواده‌های سستی و مذهبی تحت تأثیر فضای مذهبی و اجباری شدن حجاب، راه را باز کردند برای زنان و دختران‌شان تا از خانه بیرون بروند و جذب مراکز آموزشی و اجتماعی شوند. بدون اینکه این نکته را در نظر بگیریم و یا نفی کنیم، ولی این گویندگان نصف واقعیت را می‌گویند. واقعیت این است، ابتدا زنان سکولار که تقریباً همه زنان شاغل در عصر پهلوی و هم‌زمان، انقلاب را تشکیل می‌دادند، سرکوب شدند و این سرکوب هنوز ادامه دارد. پاکسازی‌های وسیع شدند، نه تنها از مراکز دولتی، از دانشگاه‌ها و بخش خصوصی هم، فقط به جرم اینکه بی‌حجاب بودند، خیلی‌ها از خانه‌نشین شدند. خیلی‌ها به گسرونده‌های مهاجر پیوستند که بسیاری از تظاهرات خاصی را که این‌ها می‌بینیم ممکن است ناشی از ناراحتی‌های شدید اینها باشد که مجبور شوند به خارج مهاجرت کنند و تن به مشکلات شدیدی بدهند. در مجموع این طیف سرکوب شد، اعتماد به نفس خود را از دست داد. فقط یک بن‌مایه‌ای از آن در ادبیات و شعر و هنر و سینمای معاصر، در حال حاضر گاهی حضوری پیدا می‌کند، ولی اساساً از آنجا که در قوانین ما حقوق مخالفین رعایت نشده - نه در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، نه در سایر انتخابات، نه در مطبوعات - بنابراین زنان متعلق به طیف سکولار هم به آن شکل سرکوب شدند و هم به شکل اینکه قانون، حقوق مخالفین را اصلاً رعایت نمی‌کند. آنها همواره ناگزیر بودند که در امر سیاسی کشور مداخله نکنند، مگر در انتخابات دوم خرداد به لحاظ نحوه بیان آقای خاتمی در باره حقوق مدنی، شاید هم در انتخابات اخیر مجلس. هرچند که تا آنجا که من می‌دانم، ۱۲ میلیون نفر از کسانی که حق رای داشتند، در انتخابات شرکت نکردند.

ولی به هر حال ما اگر کارنامه و گزارش می‌دهیم، از عملکرد جمهوری اسلامی بعد از انقلاب؛ ضمن اینکه این نکته مثبت را گزارش می‌کنیم، این عملکرد منفی را هم باید گزارش کنیم و ابعادش را نگاه کنیم. اصلاً بیرون روی این موضوع تحقیق کنند، ببینند که این سرکوب چه صدماتی به این کشور زده، هم از نظر ملی و حیثیتی و چه چهره‌ای از ایران، در جهان ترسیم کرده است.

شما در مورد مجلس ششم و امکانات آن برای تغییر

تحول اساسی...

ادامه از صفحه ۶

پایدار نمی‌ماند. اما بجز توطئه‌های محافظه‌کاران، نگرانی‌های جدی دیگری نیز در باره آینده اصلاحات ایران وجود دارد.

یکی از این نگرانی‌ها اختلاف و یایی‌برنامگی اصلاح‌طلبان در دولت و یا مجلس آینده است. دیگر تفرقه احتمالی در میان جناح اصلاح‌طلبان ممکن است کمی عمیق‌تر شود. و سوم این‌که گروهی از داعیه‌داران اصلاحات در درون جبهه دوم خرداد ممکن است به دلایلی چون عدم اعتقاد لازم به آزادی و دمکراسی و یا بسط‌جویی دیدن مطالبات مردمی و یا حفظ منافع طبقاتی و یا

جناحی و یا محافظه‌کاری‌های سیاسی و یا مذهبی مردم را رها کنند، و دمکراسی را در پای منافع جناحی خود قربانی کنند.

نگرانسی دیگر کارشکنی اپوزیسیون خشونت‌طلب است و اپوزیسیون غیردمکراتیک. که ممکن است قادر شود دمکراسی را در پای خواسته‌های گروهی و یا ایدئولوژیک از مدافعه و از رده خارج شده قربانی کند. در هر حال راه دشوار دمکراسی ادامه خواهد داشت و مردم با یاری رهبران فکری و سیاسی صادق و وفادار خود به‌ویژه نویسندگان شجاع و آرباب مطبوعات توانمند در ایران که هرگز مطبوعات تا این اندازه توانا و آگاهی‌بخش نبوده، تا آخرین مرحله دمکراسی و مردم‌مداری پیش خواهند رفت. پس یاری مردم برخیزیم، و به یاری هم برخیزیم! ☐

برای منطبق ساختن قوانین با اصول حقوق بشر و دموکراسی

ف. تابان

اساس انتقادهایی که از این زاویه به ختمش فوق می‌شود، کوشش برای اثبات این دو نکته است که اولاً این سیاست در صدد «آلترناتیو سازی» و ثانیاً و به تبع آن، در جهت «براندازی» است. برای اثبات این دو نکته هیچ کوشش و زحمت اضافی لازم نیست، زیرا حاملین این سیاست خود با صراحت به اندازه کافی روشن، اعلام کرده‌اند هم در صدد ایجاد یک آلترناتیو دموکراتیک هستند و هم به دلیل این که با این حکومت مخالفند و در صدد تشکیل یک حکومت دموکراتیک می‌باشند، «برانداز» هستند. علیرغم این روشنی، تأکیدات مداوم قانون‌گرایان بر «براندازی»، حتی انسان‌های خوش‌بین را نیز به این نتیجه می‌رساند که آنان از این تأکیدات، برانگیختن حساسیت‌ها در داخل حکومت را مورد نظر دارند. زیرا براندازی در فرهنگ سیاسی ایران معمولاً با اقدامات خشونت‌آمیز و توطئه‌گرانه همراه است و این جریان نیز اصرار دارد همین مفاهیم از براندازی را زنده نگاه دارد. در این زمینه توضیحات کافی و روشن تاکنون ارائه شده است. هدف سیاست اعلام شده این بخش از چه ایران برخلاف آنچه دیگران وانمود می‌کنند، چابجایی حکومت از طریق کاملاً مسالمت‌آمیز و با رای مردم است، بطوریکه حقوق همه گروه‌های سیاسی که قواعد مبارزه و رقابت سیاسی دموکراتیک را رعایت می‌کنند محفوظ بماند و هیچ جریان سیاسی و گروه اجتماعی از صحنه سیاسی کشور حذف نشود. این موضوعات که امروز در جامعه ما بصورت تابویی وحشتناک درآمده است، اصول اولیه هر مبارزه سیاسی است. در یک جامعه آزاد هر حزب سیاسی مخالف حکومت برای تشکیل یک آلترناتیو سیاسی و تعویض حکومت مبارزه می‌کند و اگر حزبی با کل سیستم موجود مخالف باشد، به همان اندازه حق دارد در این رقابت سیاسی شرکت کند که احزاب مدافع سیستم.

محدود کردن این مبارزه در چارچوب قانون اساسی موجود ایران، آن‌گونه که اصلاح‌طلبان حکومت می‌خواهند و چه هوادار آن‌ها تکرار می‌کنند، عملاً به معنای ترک سیاست پیش‌گفته و دست کشیدن از اپوزیسیون بودن است. در واژه «اپوزیسیون قانونی» که اخیراً بعضی از رهبران این گرایش نیز اعلام کرده‌اند مایلند به آن بپیوندند، گمراهی بزرگی وجود دارد. منظور از این اپوزیسیون با توجه به مواد متعدد قانون اساسی تنها می‌تواند یک اپوزیسیون درون

سیستم موجود باشد، اپوزیسیون این یا آن جناح یا دولت موجود. زیرا به حکم قانون اساسی جمهوری اسلامی مخالفت با نظام و سیستم موجود و حتی مخالفت با ولایت فقیه قانوناً جرم است و به رسمیت شناخته نمی‌شود. «اپوزیسیون قانونی» جمهوری اسلامی چیزی است که در این حکومت نمی‌تواند وجود داشته باشد و این همان مهم‌ترین جنبه انتقادی است که متوجه قوانین موجود می‌باشد. حکومت و قانون اساسی آن، همه فعالان سیاسی را بر سر یک دوراهی قرار داده‌اند: اگر فعالیت قانونی می‌خواهند باید سیستم موجود را به رسمیت بشناسند و بپذیرند و اگر سیستم موجود را نمی‌پذیرند، باید از مواهب حمایت قانونی محروم بمانند. هر حزب و گروه و یا انسانی می‌تواند خود تصمیم بگیرد که کدام یک از این دو راه را انتخاب کند، اما حق ندارد این واقعیت را واژگونه جلوه دهد.

چنانکه می‌بینیم، ما در کشور خود با مفهوم عام «قانون» آن‌گونه که در جهان معاصر و آزاد پذیرفته شده است، مواجه نیستیم. مطابق این درک عام و جهانشمول از قانون، هر کس باید قانوناً حق داشته باشد عقاید و نظرات خود را تبلیغ و ترویج کند و بطریق مسالمت‌آمیز برای تبدیل این نظرات به نظرات رسمی کوشش کند. به عبارت روشن مطابق ابتدایی‌ترین حقوق جهانی شهروندی، قانونی محترم و لازم‌الاجرا است که با اصول شناخته شده و پذیرفته شده حقوق شهروندی و دموکراتیک در تناقض و بالاتر از آن در ستیز نباشد. حق و وظیفه هر شهروند جامعه مدنی است قانونی که با این اصول به ستیز برمی‌خیزد را به رسمیت نشناسد و با آن مبارزه کند. بنا براین در شرایط کنونی جامعه ما بحث عام و تئوریک بر سر ضرورت احترام به قانون در یک جامعه مدنی نیست. چنین خلط مباحثی به وفور در ادبیات اصلاح‌طلبان حکومتی و هم‌چنین نیروهای اپوزیسیون وجود دارد. در جامعه ما بحث

موضوع اصلی در شرایط کنونی این است که آیا باید فشار سیاسی چه برای پذیرش قوانین موجود (از سوی همه جناح‌ها و احزاب سیاسی) باشد یا برای تغییر این قوانین و منطبق ساختن آن‌ها با قوانین و اصول دموکراتیک و عام و جهانشمول؟ برخی‌ها می‌گویند هم این و هم آن، هم قانون اساسی را می‌پذیریم و هم برای تغییر آن مبارزه می‌کنیم؛ این پاسخ، پاسخی مسئولانه و واقعی نیست. زیرا در جامعه و مبارزه، یک حزب غالباً با خواسته و مطالبه سیاسی معینی شناخته می‌شود نه با انبوهی از مطالبات

جامعه مدنی، پلورالیسم و فدرالیسم

علی پاسپار، دبیر دبیرستان‌های بوکان
عصر آزادگان

پیدا کردن بینش‌های نوگرایانه به کجا روی آورند، بازهم به قولی به سوی دشمنان؟ در قسمتی از مطلب مذکور تحکم فرموده است مطلبی درباره فدرالیسم در روزنامه چاپ خواهد شد. آیا با بیش کثرت‌گرایی و یا ساده‌تر به قول آقای خاتمی: «ایران برای همه ایرانیان» همه می‌توانند دارای پست و مقام اجرایی شوند و یا فقط همه می‌توانند در انتخابات شرکت کنند؟ آیا در جامعه کثرت‌گرا، قوم غالب با اعزام مبلغین، آئین و فرهنگ سایر اقوام را نمی‌بلعد و یا این که سایر اقوام نیز حق تبلیغ فرهنگ خود در سایر نقاط کشور را دارند و بعضاً مسئولین منصوب از قوم غالب حق نفی فرهنگ سایر اقوام را دارند و یا اینکه سایر اقوام نیز می‌توانند چنین حقی برای خود قایل شوند؟ اصلاً روش استقرار جامعه کثرت‌گرا در یک

کشور کثیرالملله چگونه است؟ البته من این حق را به خود می‌دهم که با توجه به تفاوت‌های فرهنگی در بین اقوام مختلف ایران قایل به کثیرالملله بودن ایران بزرگم. اگر چه ممکن است خوش نیاید ولی غیر از واقعیت چیز دیگری نیست و مسی‌خواستیم حقیقت را از زبان تحصیل‌کردگان و روشنفکرانی چون جلالی‌پور و امثالهم بشنویم، اگر پرده بردارند. آیا در جامعه کثرت‌گرا، رعایت حقوق اقلیت‌های قومی امکان‌پذیر هست یا این که اقوام در نهایت خوش‌باوری و خوش‌بینی، مسئولین غیربومی را پذیرفته و منتظر ذوب شدن سنگ‌بنای فرهنگ چند هزار ساله خویش باشند و خود را برای ادغام دوچندان، آماده سازند. آیا تکنولوژی پیشرفته جهان اطلاعات اعم از ماهره و اینترنت، نظریه‌های انحصاری را به

هدف چه دموکرات ایران، استقرار یک جمهوری دموکراتیک در کشور است که دو شرط عمده در آن رعایت شده باشد. اول انتخاباتی بودن همه نهادها و ارگان‌های دولتی و دوم جدایی دین از حکومت. نه تنها توجه به اصول دموکراسی، بلکه تجربه بیست سال حکومت جمهوری اسلامی چه‌های دموکرات را بیش از پیش مجاب کرده است که بدون رعایت این دو شرط، نمی‌توان از یک حکومت واقعا دموکراتیک سخن به میان آورد. مخالفت چه دموکرات ایران با حکومت جمهوری اسلامی به خاطر این است که این شرایط اساسی یک حکومت دموکراتیک در آن وجود ندارد و تفاوت بنیادین آن با جریان اصلاح‌طلب دینی و حکومتی در این است که در این جنبش، چنین مطالباتی وجود ندارد و حتی بخش‌های عمده‌ای از این جریان هنوز نیز در ضدیت آشکار با این دو خواسته قرار دارند. مباحثه سیاسی و نظری چه دموکرات ایران با اصلاح‌طلبان دینی و حکومتی اما، بر سر این نیست که آن‌ها نیز این درک و قرائت از یک حکومت دموکراتیک را بپذیرند، بر سر این است که آن‌ها بپذیرند نیروهای مخالف حکومت در این کشور حق فعالیت دارند و ایران از آن آنان نیز هست و در مناسبات میان آنان و همه نیروهای سیاسی، اصول مسالمت‌آمیز و دموکراتیک حاکم باشد و نتیجه نهایی رقابت بر عهده داوری مردم در یک شرایط دموکراتیک نهاده شود.

چه دموکرات ایران از این موضع روند اصلاحاتی را که از دوم خرداد شروع شد بطور قاطعانه مورد پشتیبانی قرار داده و به سهم خود کوشیده است به پیشبرد آن کمک کند. کارنامه دو سال و نیمه آن در این زمینه کاملاً روشن است و احتیاجی نیست برای ارزیابی آن کسی خواهد به «قلب» و یا «احساس» حاملین این سیاست مراجعه کنند. زیرا در سیاست باید مواضع را مورد نظر قرار داد و نه ضربان قلب و غلیان احساس را! هواداران این درک از چه کوشیدند بر این پایه سیاسی روشن، شفاف و گفتگویی صادقانه با اصلاح‌طلبان حکومتی برقرار کنند و بدون پنهان کردن اهداف و نیز اختلافات خود با این نیروها، آن‌ها را به همکاری در جهت اقدامات مشترک، مبارزه مشترک علیه استبداد و فعالیت هماهنگ در جهت آزادی تا هر میزان که آنان آمادگی دارند، دعوت کنند.

در اپوزیسیون، این سیاست از دو سو مورد انتقاد جدی است. هم از سوی تدرروانی که منکر اصلاحات در ایران هستند و آن را نمایش و تاکتیکی برای بقای رژیم می‌دانند و هم از سوی آن‌هایی که این سیاست را به اندازه کافی «اصلاح‌طلبانه» نمی‌دانند و در آن «تشابهات» بسیاری با سیاست «سرنوینی» جستجو می‌کنند؛ بعد از انتخابات بیست و نه بهمن، انتقادهای ایمن طیف حالت خصمانه و مقابله‌جویانه تندی به خود گرفته است.

چه زیبا بود اگر ایرانیان در کمال خودباوری هر اندیشه نو را که آسایش جامعه و پیشرفت تفکر را با خود همراه داشته باشد، می‌پذیرفتند و هرگز خط و نشان نامنی برای آن نمی‌کشیدند. در روزنامه عصر آزادگان مورخ ۱۸ اسفند ۷۸، شماره ۱۲۶، مطلبی تحت عنوان «چرا امنیت ملی مقدم بر مطالبات اصلاحی است؟» از جلالی‌پور ریاست شورای سیاست‌گذاری روزنامه مذکور مطالعه نمودم که عمدتاً به بحث قومی اشاره رفته بود. از این که روزنامه مذکور یک ستون را جهت چاپ مطالب مربوط به اقوام مختلف ایران اختصاص داده است، از طرف خود و همه کردها مراتب سپاسگزاری را اعلام می‌دارم و با توجه به بیش کثرت‌گرایی آقای جلالی‌پور چنین انتظاری از این روزنامه هم می‌رود، روزنامه‌ای که با اعتقاد به کثرت‌گرایی از ۱۲ تا ۲۰ صفحه یک ستون را مخصوص سایر اقوام ایرانی در نظر گرفته است. آیا باور همه کثرت‌گرایان چنین است؟ یا جامعه مدنی ایران مسافتی به این اندازه قابل معنی کردن است؟

جلالی‌پور به تقدم امنیت بر مطالبات اصلاحی اشاره نموده است، سؤال این است، آیا نهال انقلاب میلیونی مردم ایران مگر با خون صدها

موضوع اصلی در شرایط کنونی این است که آیا باید فشار سیاسی چه برای پذیرش قوانین موجود (از سوی همه جناح‌ها و احزاب سیاسی) باشد یا برای تغییر این قوانین و منطبق ساختن آن‌ها با قوانین و اصول دموکراتیک و عام و جهانشمول؟ برخی‌ها می‌گویند هم این و هم آن، هم قانون اساسی را می‌پذیریم و هم برای تغییر آن مبارزه می‌کنیم؛ این پاسخ، پاسخی مسئولانه و واقعی نیست. زیرا در جامعه و مبارزه، یک حزب غالباً با خواسته و مطالبه سیاسی معینی شناخته می‌شود نه با انبوهی از مطالبات مختلف.

مختلف. اگر نگاهی به مجموعه نوشته‌ها، مقالات، سخنرانی‌ها و فعالیت‌های هواداران فعالیت قانونی در سال‌های اخیر بیاندازیم، چه چیز در آن برجسته است؟ در مجموعه این فعالیت به هیچ وجه «هم این و هم آن» برجستگی ندارد. به همان اندازه که در مورد ضرورت التزام به قانون اساسی گفته و نوشته می‌شود، در مورد ضرورت و اهمیت تغییر این قانون سخنی بر زبان نمی‌آید. در سال‌های اخیر مرکز فشار هواداران التزام به قانون به تدریج علیه نیروهای مخالف در جبهه اپوزیسیون منحرف شده است و آن‌ها فشار اصلی را بر این قرار داده‌اند که اپوزیسیون را قانع کند که باید به قانون اساسی التزام بدهد و یا آن را افشا کند و خودسرانه از دایره «اصلاح‌طلبی» بیرونش بگذارد. در برابر این فشار، تلاش برای تغییر قانون اساسی کمتر و کمتر شده است. از چنین سمت‌گیری گریزی نیست. زیرا یک حزب و یا جریان سیاسی، بخصوص که قدرت محدودی هم داشته باشد، نمی‌تواند هم‌زمان چندین نقطه را مورد فشار قرار دهد!

چه باید کرد؟ پیروزی جنبش اصلاح‌طلبانه و مردم ایران در انتخابات مجلس شورای اسلامی، توازن قوا در کشور را بر هم زده است. دو قوه از سه قوه اداره کننده کشور به اضافه قوای بیکران توده مردم در دست اصلاح‌طلبان و تحلیل‌ها، حتی از سوی رهبران جناح رفرمیست چه، «سلطه محافظه‌کاران رو به پایان است». در چنین شرایطی آن چه به تدریج برجسته می‌شود و باید برجسته شود، مطالبات توده‌های مردم است. بعد از تشکیل مجلس ششم، به احتمال بسیار زیاد، تحولات سیاسی در ایران که تاکنون بطور عمده تحت تأثیر مبارزه بین محافظه کاران و اصلاح‌طلبان در داخل حکومت قرار داشت، بیش از پیش تحت تأثیر واکنش‌های مستقابل میان مطالبات توده‌های مردم و سیاست‌های اصلاح‌طلبان حکومت قرار خواهد گرفت. تقاضای تغییر قوانین موجود و منطبق ساختن آن‌ها با اصول حقوق بشر و دموکراسی می‌تواند یکی از این مطالبات باشد. اصلاح‌طلبان در جریان انتخابات مجلس در این زمینه قول‌های بسیاری داده‌اند. بازنگری در قانون اساسی دیگر یک خواست بدون زمینه نیست بلکه تقاضاهای کاملاً نیرومندی برای آن وجود دارد. در چنین شرایطی قرار دادن «التزام به قانون» در راس فعالیت‌ها، یک اشتباه و عقب‌ماندگی بزرگ سیاسی است، آن‌چه که چه در شرایط کنونی باید مصرانه طلب کند، بازنگری در قانون اساسی در جهت هموار کردن حضور قانونی اپوزیسیون به معنای واقعی آن در کشور و پذیرش حق فعالیت مخالفین حکومت است. چه ایران باید پیشاتر جنبش بازنگری قانون اساسی شود و این مطالبه را در روزها و ماه‌های آتی در صدر خواست‌های خود قرار دهد.

هم نمی‌ریزد؟ یا این که مرز حکومت چندین ساله آقای جلالی‌پور در مه‌باد هنوز حلاوت خود را از دست نداده است؟ در خاتمه امیدوارم مباحث فوق و بحث فدرالیسم به حساب ناسیونالیسم کرد تهیه نگردد.

شماره فاکس: 0049 - 221 - 331 82 90
شماره تلفن: 0049 - 221 - 8322136
آدرس کار در اینترنت: http://www.fadal.org
آدرس پست الکترونیکی: fadal.aksariyat@magnet.at
تک فروشی: معادل ۴ مارک آلمان
بهای اشتراک: اروپا: شش ماهه ۵۵ مارک؛ یک ساله ۱۰۲ مارک
سایر کشورها: شش ماهه ۶۲ مارک؛ یک ساله ۱۱۵ مارک

Verleger: I.G.e.v
آدرس: I.G.e.v
Postfach 260268
50515 Köln
Germany

دارنده حساب: I.G.e.v
شماره حساب: 22 44 20 32
کد بانک: 37 05 01 98
نام بانک: Stadtparkasse Köln

فرم درخواست اشتراک
اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک:
مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:

نام: Name:
نشانی: Address:
فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر) به آدرس پست کنید!

مذاکرات فرستاده ویژه سازمان ملل در مورد صحرای بی نتیجه ماند

دوما «استارت ۲» را تصویب کرد

روز جمعه گذشته دوما روسیه قرارداد «استارت ۲» را تصویب کرد. قرارداد مذکور که کاهش کلاهک‌های اتمی و موشک‌های قارذیپای روسیه و آمریکا را تا سال ۲۰۰۷ مد نظر دارد، در سال ۱۹۹۳ به امضای رؤسای جمهوری وقت دو کشور (جورج بوش و بوریس یلتسین) رسیده بود. سنای آمریکا این قرارداد را در سال ۱۹۹۵ تصویب کرد ولی دوما روسیه تاکنون در مورد آن تصمیم نگرفته بود. چرا روند خلع سلاح اتمی سالها در انجماد ماند؟

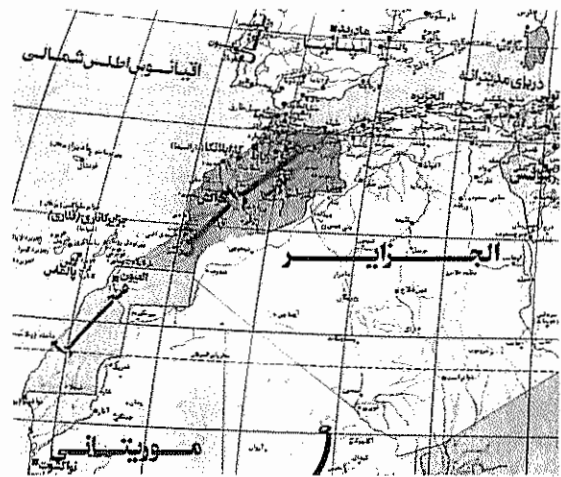
با فروپاشی اتحاد شوروی و متعاقب آن کاسته شدن از نقش روسیه در معادلات جهانی، عدم وجود یک استراتژی سیاسی و گسیب‌گری رهبران روسیه در این زمینه، وجود سلاح‌های هسته‌ای برای روسیه آخرین برگ «ابر قدرتی» بود. پوتین از این برگ کهنه و خطرناک برای اعلام موجودیت و بازگشت به بازی جهانی استفاده و به آمریکا گوشزد کرد که روسیه را با سلاح‌های اتمی اش جدی بگیرد. او نه خواهان نابودی همه سلاح‌های اتمی، بلکه خواستار جبران عقب‌ماندگی و بازسازی زرادخانه‌های روسیه است.

پس از برگزاری انتخابات دوما و انتخاب پوتین به ریاست جمهوری همسویی حزب کمونیست و ناسیونالیست‌ها در این مورد شکست. پوتین اینک جوابگوی عظمت طلبی و توازن قوای مورد نظر ناسیونالیست‌هاست. حزب کمونیست روسیه تاکنون در مقابله با سیاست‌های ناتو در قبال پذیرش کشورهای سابق عضو بلوک شرق در این پیمان، مباران عراق و یوگسلاوی، از تصویب قرارداد خلع سلاح خودداری کرده بود. حزب کمونیست روسیه باید جوابگوی این سؤال باشد که چرا در زمان جنگ سرد پرچمدار خلع سلاح جهانی بود و طی سالهای گذشته در این عرصه غایب ماند؟

برخلاف تبلیغات رسانه‌های غربی که با پایان جنگ سرد، شیخ جنگ اتمی نیز از سر بشریت دور شد، بی‌پایه و تا آنجا که به اتحاد شوروی سابق برمی‌گردد، یک چانه است. هم ایالات متحده و هم روسیه هنوز ۹۰۶۲ موشک قارذیپای مجهز به کلاهک اتمی، ۳۲۰۸ هواپیمای حامل بمب‌های اتمی و ۸۵۵۵ زیردریایی اتمی در اختیار دارند. از توان اتمی چین، هند، پاکستان و سایر قدرت‌های اتمی دیگر سخن در میان نیست. پایان جنگ سرد به معنی پایان جنبش مبارزه برای صلح جهانی نیست. □

استقلال صحرای بی عنوان «جمهوری دموکراتیک عربی صحرای» در پرتو اعلام کرد. در سال ۱۹۷۸ پس از کودتای گروهی از افسران ارتش موریتانی روابط این کشور با جبهه آزادی‌بخش صحرای بهبود یافت و یک سال بعد موریتانی نیروهای خود را از صحرای فراخواند و موجودیت این کشور را به رسمیت شناخت. نیروهای مراکش هنوز صحرای را در اشغال خود دارند و با ایجاد یک دیوار سراسری معادل نفت، فسفات و سنگ آهن شمال را از جنوب جدا کرده‌اند.

فرهنگی، صحرای جزوی از آن کشورها است. در روز ششم نوامبر ۱۹۷۵ به فرمان حسن دوم پادشاه مراکش ۳۵ هزار نفر دست به یک راهپیمایی بطرف صحرای زدند و یک ماه بعد طی قرارداد ساجانه‌ای در مادرید دو سوم صحرای به مراکش و یک سوم آن به موریتانی واگذار شد. روز ۲۶ فوریه ۱۹۷۶ نیروهای اسپانیا خاک صحرای را ترک کردند و روز بعد جبهه پولیساریو



مذاکرات جیمز بیکر وزیر پیشین امور خارجه آمریکا و فرستاده ویژه کوفی عنان دبیرکل سازمان که هفته گذشته برای میانجیگری در مورد حل مسئله صحرای بی عنوان مراکش، الجزایر، صحرای موریتانی مسافرت کرده بود با شکست مواجه شد.

پیش زمینه‌ها: مرزهای فعلی صحرای سالها ۱۹۱۲ توسط فرانسه و اسپانیا تثبیت گردید و در سال ۱۹۵۸ اسپانیا این سرزمین را یکی از ایالات ماورا بحار خود اعلام نمود. با گسترش استخراج فسفات و توسعه زندگی شهری حس استقلال طلبی در مردم این منطقه تقویت شد. در سال ۱۹۶۷ «جنبش برای آزادی صحرای» که برای کسب استقلال از طریق مسالمت‌آمیز مبارزه می‌کرد پایه گذاری شد. این جنبش در سال ۱۹۷۰ توسط نیروهای اسپانیایی سرکوب گردید و رهبر آن محمد ابراهیم بصیری و صدها نفر دیگر به قتل رسیدند. در سال ۱۹۷۳ گروهی از مبارزین با سابقه که تنها راه کسب آزادی

همسایگان هسته‌ای و کانونهای بحران

برگردان: نیلوفر قدیری



همانقدر که در مورد تروریسم صحبت می‌کنیم در مورد آزادی کشمیر هم حرف می‌زنیم؟ من تروریسم را آدم‌ربایی، بمب‌گذاری و کشتار غیر نظامیان تعریف می‌کنم.

● دولت امریکا گروه «حرکت المجاهدین» مستقر در پاکستان را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داده است. ○ ایس‌ان یک سازمان تروریستی نیست.

● پاکستان می‌تواند طالبان را برای تحویل اسامه بن لادن به امریکا تحت فشار قرار دهد؟ ○ طالبان برای نگهداشتن بن لادن در افغانستان دلایل خود را دارند. اگر کسی فکر می‌کند که ما می‌توانیم به طالبان دستور دهیم، سخت در اشتباه است.

● می‌توانید در مورد اردوگام‌های تربیت تروریست در افغانستان کاری کنید؟ ○ در مورد این موضوع ما با طالبان گفتگو کنیم. فعالیت‌های طالبان اشتباهاً فعالیت‌های تروریستی خوانده می‌شود، در حالی‌که این طور نیست. اما ممکن است گروه‌هایی در این کشور باشند که برای جنگ طلبی تربیت شده باشند این گروه‌ها باید از بین بروند.

● جدول زمانی مشخصی برای بازگرداندن دموکراسی به پاکستان دارید؟ ○ دموکراسی به پاکستان



حمایت دولتی از آنها نمی‌شود. من دست به اقدامات گسترده‌ای برای کنترل هر گروهی که در فعالیت‌های تروریستی شرکت داشته باشد، زده‌ام. ما دستور دادیم که در دست داشتن سلاح در مکان‌های عمومی ممنوع شود، من قصد دارم پاکستان را عاری از سلاح کنم.

● اما برخی از این گروه‌های تندرو با سرویس اطلاعاتی شما در ارتباط هستند آیا بر سرویس اطلاعاتی کشور کنترلی دارید؟ ○ من کنترل همه جانبه‌ای بر سرویس اطلاعاتی دارم. اما آیا

● گفته می‌شود شما طراح حملات ماه گذشته به کارگیل بوده‌اید.

○ نه. در آن زمان یک دولت دموکراتیک بر سر کار بود. هر چه اتفاق افتاد براساس تصمیم آن دولت بود.

● شما خواستار اعلام جهاد در کشمیر شده‌اید.

○ اینجا همه مسلمانان از جهاد علیه هند در کشمیر حرف می‌زنند، زیرا کشمیر، متعلق به هند نیست، بلکه یک منطقه مورد مناقشه است.

● با این نظر که تنش میان هند و پاکستان این روزها در اوج خود است موافقت می‌کنید؟ ○ بله، تنش‌های زیادی در خط کنترل کشمیر وجود دارد. بسیار بیشتر از گذشته.

● نگران این نیستید که این تنش‌ها ممکن است به جنگ منجر شود؟ به ویژه حالا که شما هر دو قدرت هسته‌ای به حساب می‌آید.

○ فکر نمی‌کنم اوضاع از کنترل خارج شود. ● نگرانی‌های بسیاری در مورد گروه‌های اسلامگرای تندرو مستقر در پاکستان که دست به ترور می‌زنند وجود دارد. براساس گزارش‌های منتشره برخی از این گروه‌ها با دولت پاکستان رابطه دارند.

○ من اطمینان می‌دهم که هیچ گروهی در خاک پاکستان وجود ندارد که در فعالیت‌های تروریستی دخالت داشته باشد. منشا پیدایش این گروه‌هایی که شما از آن نام می‌برید در افغانستان بوده است زمانی که آنها با روس‌ها می‌جنگیدند. آنها اکنون در کشمیر هستند. اما هیچ

بیل کلینتون رئیس جمهوری آمریکا هفته اول فروردین در سفر به جنوب آسیا از هند و پاکستان دیدن کرد و به عنوان اولین رئیس جمهوری آمریکا که طی ۲۲ سال اخیر به هند می‌رود، شش روز در این کشور ماند.

وی چند ساعتی هم از پاکستان دیدن کرد اما این سفر در کاهش تنش میان این دو همسایه هسته‌ای که این روزها کشورهای منطقه و جهان را بیش از هر زمان دیگری نگران کرده است، تأثیر چندانی نداشت.

پیش از سفر، کلینتون بارها پیشنهاد کرد در صورتی که دو کشور مایل باشند آماده است تا در این مورد میانجیگری کند. نقطه بحرانی در این مناقشه، منطقه کشمیر است. سال گذشته دو کشور چند هفته‌ای در آن با هم جنگیدند. چند روز پیش از سفر کلینتون به منطقه، هفته‌نامه نیوزویک با آتال بیهاری واجپایی نخست‌وزیر هند و پرویز مشرف حاکم نظامی پاکستان گفتگویی انجام داده که در زیر از نظرات می‌گذرد.

● نیوزویک: فکر می‌کنید دیدار کلینتون از پاکستان به معنای تأیید و حمایت از موضع شما در کشمیر است؟ ○ مشرف: او گفته است که قصد ندارد در مورد موضوع کشمیر دخالت کند، اما می‌تواند امکان برقراری گفتگو میان هند و پاکستان را فراهم کند.

● واجپایی نخست‌وزیر هند سال گذشته با هدف برقراری صلح به پاکستان آمد اما کمی بعد از این سفر پاکستان به کارگیل حمله کرد.

○ اینها همه بهانه است. آنها همواره از وقایع گذشته به عنوان بهانه‌ای برای حرکت نکردن به جلو استفاده می‌کنند. بهانه آنها هم همیشه کشمیر است.

● نیوزویک: شما سال گذشته با سفر به لاهور با اتوبوس برای دیدار با نواز شریف و با هدف برقراری صلح، خطر بزرگی به جان خریدید. فکر نمی‌کنید مقامات پاکستان با حمله به مناطق تحت کنترل هند در کشمیر که تنها چند روز بعد از سفر شما صورت گرفت به شما خیانت کردند؟ از سرگیری مذاکرات با پاکستان را ممکن می‌دانید؟

○ واجپایی: از ابتدا هند همواره تلاش کرده است تا روابط دوستانه‌ای با پاکستان برقرار کند. من با این امید که سفر به لاهور شروع تازه‌ای در روابط دو کشور خواهد بود این سفر را انجام دادم. ما همسایه هستیم و باید روابط دوستانه‌ای با هم داشته باشیم. دیدار از لاهور بار دیگر به من ثابت کرد که خواسته مردم دو کشور هند و پاکستان این است که در صلح و آرامش زندگی کنند. اما بعد ماجرای کارگیل پیش آمد. این واقعه واقعاً من را متعجب کرد. اکنون باید فضای مناسبی برای از سرگیری گفتگوها به وجود آید. تا زمانی که فعالیت‌های تروریستی در مرزها و تبلیغات خصمانه علیه هند ادامه داشته باشد، انجام گفتگو هیچ فایده‌ای نخواهد داشت.

● مردم می‌گویند ژنرال پرویز مشرف مرد قدرتمند پاکستان طراح حمله ماه مه ۱۹۹۹ به کارگیل بوده است. با این حال فکر می‌کنید کارکردن با او ممکن باشد؟

○ اگر شروع تازه‌ای برای ایجاد آینده‌ای بهتر به وجود آید سببستمداران خیلی راحت گذشته را فراموش می‌کنند. اما

● شما می‌گویید شواهد محکمی در مورد دخالت پاکستان در هواپیمایی اخیر در هند وجود دارد. این شواهد چیست؟

○ تا زمانی که جامو و کشمیر [کشمیر تحت کنترل هند] به عنوان بخشی از هند شناخته نشود، هیچ راه حلی، عملی نخواهد بود.

● شما می‌گویید شواهد محکمی در مورد دخالت پاکستان در هواپیمایی اخیر در هند وجود دارد. این شواهد چیست؟

○ ادامه در صفحه ۹